

- ۱- سیاست‌های آمریکا در غرب آسیا
- ۲- مسائل داخلی رژیم صهیونیستی و مسائل داخلی آمریکا
- ۳- محور مقاومت، حوزه خلیج فارس، اروپا، قفقاز و آسیای میانه
- ۴- موضوعات مربوط به سیاست داخلی و خارجی ایران، برجام، اعتراضات مردمی و رهبری
- ۵- توثیقاتی منتشر شده از سوی فعالان و مقام‌های سیاسی جهان



ناتوانی ایران در محافظت از اسد

در سخنرانی ۲۰ آذرماه خود با انتقاد از بی‌روحي ارتش سوریه، تصریح کرد: «اگر ارتش سوریه ضعف نشان داد، از بسیجی کاری بر نمی‌آید ولی متأسفانه این اتفاق افتاد.» [آیت‌الله] خامنه‌ای در ادامه با بیان اینکه سوریه به دلیل عدم توجه به هشدارهای ایران سقوط کرد، افزودند: «در سوریه، دشمن به سرعت وارد عمل شد، اما [دولت سوریه] باید از قبل پیش‌بینی می‌کرد و جلوی آن را می‌گرفت. دستگاه اطلاعاتی ما ماه‌ها قبل از این رویدادها گزارش‌های هشداردهنده را به مقامات سوریه منتقل کرده بود.»

ادامه در صفحه ۲

ناتوان بود و فروپاشی نظام اسد باعث ایجاد اختلافات داخلی در بین مقامات ایرانی شده است.

در واکنش به سقوط اسد، مقامات حکومتی سه روایت را منتشر کرده‌اند؛ اینکه ایران هرگز قصد حمایت از اسد را نداشته است، اینکه اسد هشدارهای ایران در مورد تهدید در حال وقوع را نادیده گرفته است و سرآخر اینکه اسد در وهله اول هرگز از تهران درخواست کمک نکرده است.

[آیت‌الله] خامنه‌ای، رهبر ایران، در اولین سخنرانی عمومی خود پس از سقوط اسد، تلاش کرد تا تصویر را به گردن نیروهای سوریه بیندازد. [آیت‌الله] خامنه‌ای

لانگ وار

جانانان سایه

فروپاشی ناگهانی نزدیک‌ترین متحد دولت جمهوری اسلامی، جهان را حیرت زده کرد، زیرا شورشیان سوریه دمشق را تنها ۱۱ روز پس از راه‌اندازی موج جدیدی از شورش به تصرف خود درآوردند. مقامات ایرانی برای خنثی کردن این شکست تحقیرآمیز ادعا کرده‌اند که هدف ایران دیگر حفظ سلسله اسد نبوده است، اما با این حال، اطلاعات درز پیدا کرده از تهران و بینش‌هایی درباره استراتژی منطقه‌ای جمهوری اسلامی حکایت متفاوتی دارد؛ این کشور در حفاظت از حکومت سوریه

۱۵

گمانه‌زنی‌ها درباره علت کشته شدن رئیسی

۱۰

آینده نامشخص روابط ارمنستان و آذربایجان

۸

تشکیل محور تهاجمی مسکو و تهران

ناتوانی ایران در محافظت از اسد

جنبش دموکراتیک ایران کلید صلح است

جروزالم پست

مهرداد بوسفیانی |

فریاد اسد یک بحران استراتژیک است که سیاست منطقه‌ای شکست خورده تهران را آشکار می‌کند و نشان از تغییر در ژئوپلیتیک غرب آسیا دارد.

پس از خروج اسد، از دست دادن ایران وجودی احساس می‌شود. اسد به عنوان شاهرگ راهبردی منطقه‌ای نیابتی ایران، با کمک بیش از ۵۰ میلیارد دلار جمهوری اسلامی و قربانی شدن هزاران ایرانی و پرسنل نیابتی حمایت شد. حسن نصرالله، اعلام کرده بود: «سوریه ستون فقرات محور مقاومت است».

پناه بردن بشار اسد به مسکوبه جای تهران، رهبری ایران را بیشتر شرمند و نفوذ منطقه‌ای رو به کاهش روحانیون را آشکار کرد. بدون سوریه، طرح قدرت ایران از طریق نیروهای نیابتی خود در لبنان، غزه و کرانه باختری به‌طور قابل توجهی بدتر شده است. در نتیجه، صداهای شیعه جایگزین مانند [آیت‌الله] سیستانی در عراق، آماده به چالش کشیدن شیعه سستی ایران هستند.

بنابراین، اولویت نظام ایران احتمالاً خنثی کردن دولت‌سازی ابومحمد الجولانی، رهبر شورشیان در سوریه خواهد بود.

برای ترکیه، سقوط اسد فرصتی جهت اثبات قدرت منطقه‌ای است. رجب طیب اردوغان، که در داخل کشور به چالش کشیده شده است، خود را به عنوان یک پادشاه استراتژیک معرفی کرده و از شورشیان تحریر الشام برای گسترش نفوذ ترکیه در سوریه استفاده می‌کند. رقابت ترکیه با یونان، تنش‌ها در قبرس و سیاست قاطعانه مدیترانه‌ای، نشان دهنده ایدئولوژی‌ای است که نقش جهانی آنکارا را برای منحرف کردن چالش‌های داخلی بازتعریف می‌کند.

روند افزایش بهبود موقعیت امارات در سه جزیره استراتژیک خلیج فارس توسط کشورهای عربی، تکمیل کننده تلاش برای فشار بر ایران از شمال و جنوب است که همچنین با قصد دونالد ترامپ برای اعمال فشار حداکثری تنبیهی علیه جمهوری اسلامی همسواست.

تهران در اثر حملات اسرائیل نابود و توسط نیابتی اردوغان که اکنون بر سوریه حکومت می‌کند، تحقیر شده است.

رهبر ایران با نگرانی از انفجار در نظام، مسیر دوگانه «ظریف» را دنبال خواهد کرد.

<https://B2n.ir/w69494>



حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله العظمی خامنه‌ای

به تهران که هم حمایت نظامی و هم پروژه‌های بازسازی تحت رهبری قرارگاه خاتم الانبیا سپاه پاسداران را پوشش می‌داد، ابراز نگرانی کرده‌اند.

یک دیپلمات سابق سوری به واشنگتن پست اطلاع داد که اسد پیشنهادهای قدرت‌های جهانی، از جمله پیشنهادی که امارات به نمایندگی از آمریکا منتشر کرده بود که وعده داده بود در ازای قطع روابط با ایران، تحریم‌های فلج کننده آمریکا را لغو کند، رد کرد.

آخرین سخنرانی [آیت‌الله] خامنه‌ای حاکی از امیدواری بود که دولت جدید سوریه در نهایت بتواند با منافع ایران همسو شود: «جوانان دلیر سوری، سوریه را آزاد خواهند کرد». در مقابل، رویترز در تاریخ ۹ دسامبر گزارش داد که تهران کانال‌های ارتباطی خود را با شورشیان سوری باز کرده است، ادعایی که نیویورک تایمز نیز آن را تأیید کرد.

پس از سقوط اسد، گروه تروریستی حماس نیز به مردم سوریه به دلیل دستیابی به «آرزوهای آزادی خواهانه و عدالت طلب» تبریک گفت. خالد مشعل، رهبر سیاسی حماس نیز سرنگونی بشار اسد را پیروزی «انقلاب علیه ظلم و بی‌عدالتی» خواند.

<https://tinyurl.com/28fm4vn5>

فرا تر از بیانیه‌های عمومی، بحث‌های داخلی درز کرده در میان مقامات ایرانی نشان دهنده نارضایتی و سرزنش موضوع موجود است. منابع سپاه پاسداران انقلاب اسلامی به تلگراف گزارش دادند که سقوط اسد باعث ایجاد شکاف‌های قابل توجهی در تهران شده است و مقامات یکدیگر را به سوء مدیریت متهم می‌کنند.

بنا بر گزارش‌ها، اسماعیل قانعی به‌عنوان فرمانده سپاه پاسداران با انتقادات داخلی قابل توجهی به دلیل ناکامی در حفظ حکومت اسد مواجه است. به گزارش تلگراف، بسیاری از درون حکومت قانعی را مسئول این اتفاق می‌دانند و ممکن است [آیت‌الله] خامنه‌ای او را تنزل دهد. قابل توجه است که قانعی از زمان سقوط اسد به‌طور آشکار سکوت کرده است و گمانه‌زنی‌های بیشتری را برانگیخته است.

اولویت‌های راهبردی ایران در سوریه همیشه قابل توجه بوده است. گذشته از دخالت سپاه پاسداران، ارتش متعارف ایران در طول جنگ داخلی از اسد حمایت کرد و حتی در زمان سقوط حلب نیز به استقرار خود ادامه داد. علاوه بر این، قانونگذاران ایرانی در باره بدهی ۳۰ میلیارد دلاری اسد

محمد باقر قالیباف، نماینده سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و رئیس مجلس ایران نیز در روز ۲۱ آذر با تکرار مواضع [آیت‌الله] خامنه‌ای، خاطر نشان کرد: «تحولات سوریه بیش از آنکه غافلگیرکننده باشد، اجتناب‌ناپذیر بود. ما همچنین به دولت آن کشور (حکومت اسد) هشداری از قبل داده بودیم» به همین ترتیب، سردار رمضان شریف، رئیس مرکز تحقیقات جنگ سپاه پاسداران انقلاب اسلامی گفت: «اگر سوریه به توصیه ما (ایران) عمل می‌کرد، پیروز می‌شد.»

دولت مسعود پزشکیان، رئیس‌جمهور ایران و دیپلمات‌های آن پارافراتر گذاشتند و گفتند که اسد نه به دنبال کمک تهران بوده و نه ایران دفاع از او را در اولویت قرار داده است. عباس عراقچی، وزیر امور خارجه با بیان اینکه دولت سوریه نیز از ما انتظار این (مداخله نظامی) را نداشت، گفت: «نقش ایران در ارائه راهنمایی و مشاوره خلاصه می‌شود.»

سفیر سابق ایران در انگلیس این ادعاها را طوطی‌وار تکرار کرد و گفت: «ایران قصد دخالت در سوریه را نداشت». مشاوران پزشکیان این احساس را در رسانه‌های غربی تقویت کردند. یکی از تحلیل‌گران وابسته به جناح «اصلاح طلب» اظهار داشت: «اسد بیش از آنکه متحد باشد، یک مسئولیت روی دوش ایران بود، به این معنی که زمان او تمام شده است و دفاع از او دیگر قابل توجیه نبود، حتی اگر یک شکست بزرگ برای ایران باشد.»

صداها دیگری البته در درون حکومت، تصویر متضادی را ترسیم می‌کنند و نشان می‌دهند که تهران نه برای سقوط اسد آماده بود و نه مایل به رها کردن او بود. عراقچی خود تسلط شورشیان بر دمشق را «غافلگیرکننده» توصیف کرد، در حالی که سیاوش مسلمی، فرمانده قرارگاه کربلای سپاه، سقوط اسد را «فاجعه راهبردی» توصیف کرد.

بایدن از منافع آمریکادر سوریه پس از جنگ چشم‌پوشی کرد

بازگشت ترامپ چه معنایی برای آسیادارد

ترامپت

دوره دوم ترامپ آمریکا را تکان می‌دهد، اما همچنین در سراسر جهان طنین می‌فرستد و بر دوستان و دشمنان در هر منطقه تأثیر می‌گذارد. در آسیا، دشمنان آمریکا ممکن است در حال آماده شدن برای حرکت کمی نرم‌تر باشند و متحدان به آینده‌ای فکری می‌کنند که منطقه می‌تواند توسط «پلیس قدیمی جهانی» نادیده گرفته شود. روسیه پس از پیروزی ترامپ به او تبریک گفت و وی را «شجاع» و «مردی واقعی» توصیف کرد.

درک این احساسات ناشی از مسکو کار سختی نیست. ترامپ در طول مبارزات انتخاباتی خود گفت که قصد دارد تحریم‌هایی را که آمریکا علیه روسیه به عنوان مجازات جنگش با اوکراین وضع کرده بود، لغو کند.

روس‌ها همچنین خوش بین هستند، زیرا سازمان ناتو را که آمریکا و اروپا به عنوان متحدان نظامی پیوند می‌دهد، تحقیر می‌کنند و می‌دانند که ترامپ در مورد آن تردید دارد.

از سوی دیگر، روس‌ها به خوبی به خاطر دارند که این ترامپ بود که در اولین دوره ریاست جمهوری خود، خط لوله نورد استریم ۲ را مسدود و تحریم کرد.

پکن طی تماس تلفنی با ترامپ در روز پس از انتخابات، گفت امیدوار است که آمریکا و چین به یکدیگر احترام بگذارند و «همزیستی مسالمت‌آمیز» داشته باشند. به‌رغم تهدیدهای ترامپ، برخی از رهبران چین ممکن است هنوز بازگشت او را به دلیل دیدگاه وی نسبت به تایوان، تشویق کرده باشند. شراکت آمریکا با تایوان تنها چیزی است که از چنین تهاجمی جلوگیری کرده و ترامپ نسبت به آن تردید دارد.

به‌طور کلی، به نظر می‌رسد که حزب کمونیست چین در مورد ترامپ عصبی است.

وضعیت متحدان آمریکا مانند کره جنوبی و ژاپن مشابه آنچه در دوره اول ترامپ با آن مواجه بودند، است. رهبران آن‌ها به یاد دارند که ترامپ برای اتحادهایی که پیشینیان در کاخ سفید با کشورهایشان ایجاد کرده بودند، ارزش چندانی قائل نبود.

<https://B2n.ir/p73417>



تضعیف، شرکای عرب و کرد سنی آمریکا در شمال شرق سوریه را تهدید می‌کند و شرایط روسیه را برای پیشبرد سیاست خارجی ضد آمریکایی خود در غرب آسیا، آفریقا و آسیا فراهم می‌کند.

این نگرانی به ناکامی دیگر بایدن در سوریه گسترش می‌یابد، یعنی عدم تمایل آشکار او به محافظت از شرکای کرد و سنی-عرب آمریکادر برابر اقدامات تهاجمی ترکیه در شمال سوریه.

این شرکا برای نفوذ و شکست داعش بسیار مهم بودند. اقدامات جنگی و اطلاعاتی آن‌ها مکرراً به جلوگیری از جنایات بیشتر به سبک پاریس در ماه نوامبر سال ۲۰۱۵ علیه غرب، از جمله علیه آمریکا، کمک کرد. حضور آن‌ها در سوریه امروز هم به‌عنوان مانعی در برابر بدعهدی ایران و هم برای بازسازی داعش عمل می‌کند. تا حد زیادی نیاز به نیروهای در صحنه آمریکایی را کاهش می‌دهد.

مشکل این است که به نظر می‌رسد بایدن اصلاً کاری انجام نمی‌دهد. بایدن به جای ترک مقام خود به‌عنوان «شریک قوی و قابل اعتماد برای صلح، پیشرفت و امنیت» که در سخنرانی تحلیف خود متعهد به حضور در آن بود، بدون اینکه واقعاً به نظر برسد در سمت خود است، مقام خود را ترک می‌کند.

<https://B2n.ir/z77108>

بین‌المللی است، اعتبار جهادی او را نمی‌توان نادیده گرفت. هیئت تحریر شام به‌عنوان یک سندیکای القاعده منشا گرفت.

با این حال، پیروزی جولانی را نیز نمی‌توان نادیده گرفت.

اما با توجه به اینکه روسیه از همین پایگاه‌ها برای تحمیل بدبختی مطلق علیه همان شورشیانی که اکنون در سوریه قدرت را در دست دارند استفاده می‌کند، جولانی باید با سلامی یک‌انگشتی به درخواست‌های پایگاه روسیه پاسخ دهد.

حملات روسیه علیه غیرنظامیان سوری بین سال‌های ۲۰۱۵-۲۰۲۴ شامل تخریب کل محله‌ها، بیمارستان‌های جراحی و هزاران منفعت غیرنظامی دیگر مانند کاروان‌های کمک‌رسانی است. باید تأکید کرد که روسیه بارها بیمارستان‌های غیرنظامی در سوریه را هدف قرار داده است.

این میراث مرگ باید به بایدن حربه‌های اخلاقی فراوانی ارائه دهد تا جولانی و شرکای او را متقاعد کند که باید به جای اینکه به روسیه دوستی کند، پوتین را به خاطر آنچه از سال ۲۰۱۵ با آن‌ها انجام داده است، مجازات کنند.

این مسئله آشکارا به نفع آمریکا است که روسیه نسبت به سوریه پس از جنگ منزوی شود. به هر حال، ردپای نظامی روسیه در سوریه، جناح جنوبی ناتو را

واشنگتن اگزمنر تام روگن

ظاهراً جو بایدن فرصت زودگذر آمریکا برای شکل دادن به جهت‌گیری سوریه پس از بشار اسد در راستای منافع ملی آمریکا را از دست می‌دهد.

اسد مسئول قحطی گسترده و حملات مکرر تسلیحات شیمیایی علیه مردم سوریه بود. حکومت او بین سال‌های ۲۰۱۱ تا ۲۰۲۴ صدها هزار نفر را به قتل رساند.

اسد همچنین متحد نزدیک ایران بود و به تهران اجازه داد تا سلاح‌های قوی‌تری را از طریق عراق، سپس سوریه و در نهایت به دست حزب الله لبنان و نیروهای خود ایران در جنوب سوریه منتقل کند. اسد به‌طور مشابه با تکیه بر ولادیمیر پوتین برای مداخله نظامی در حمایت از وی در سال ۲۰۱۵، آزادی حرکت نظامی بی‌سابقه‌ای را از سوریه به پوتین داد. این امر باعث شد پوتین سودهای استراتژیک قابل توجهی در سراسر غرب آسیا به همراه داشته باشد که به قیمت گزافی برای منافع آمریکا تمام می‌شود.

سوریه اکنون توسط شورشیان اسلام‌گرا تحت کنترل گروه هیئت تحریر شام [HTS] ابو محمد الجولانی اداره می‌شود. در حالی که جولانی اخیراً موضع معتدل‌تری ارائه کرده‌ومی‌گوید که خواهان روابط صمیمانه با جامعه

شترنج جدید غرب آسیا برای اسرائیل



جروزالم پست کاترین شکدم |

سقوط نظام بشار اسد در سوریه، پس از بیش از یک دهه جنگ داخلی، نشان دهنده یک گسست ژئوپلیتیکی است. بقای او به اتحاد‌های پیچیده با روسیه، ایران و حزب الله بستگی داشت. با رفتن اسد، نفوذ ایران ضربه قاطعی خورده است.

اسرائیل یلکم محیط امنیتی عمیقاً تغییر یافته مواجه است. صعود تحریر الشام در نزدیکی مرز شمالی اسرائیل نگران کننده است.

این گروه شورشی که به دلیل اعتبارات افراطی خود چشم اندازی برای کمک به بازسازی غرب ندارد، ممکن است از طریق رادیکا لیسم، قدرت را تحکیم و آشکارا اورشلیم و مکه را تهدید کند. این امر اسرائیل و عربستان را در تیررس گروهی قرار می دهد که در حال بهره برداری از هرج و مرج ماهر هستند.

موضع روسیه در سوریه نیز نامشخص است. عقب نشینی عجولانه از چندین

اردن که مدت ها پناهگاه آرامش نسبی بود، اکنون باید در برابر گسترش گروه های جهادی که به دنبال بهره برداری از مرز هستند، دفاع کند.

برای اسرائیل، اولویت استفاده از منافذ استراتژیک ایجاد شده توسط سقوط اسد و در عین حال کاهش خطرات تندروهای جسور شده است.

فروپاشی نظام اسد آغاز فصلی جدید و بی ثبات است.

<https://B2n.ir/s50292>

متحد میانه رو در منطقه و شریک غرب تلقی می شود، مدت ها است که در سیاست های داخلی و خارجی خود یک عمل متعادل کننده ایجاد کرده است.

حمایت ضمنی اردن از حماس ثبات منطقه را تضعیف می کند و آن را در تضاد با تلاش های اسرائیل برای مهار نیروهای نیابتی ایران قرار می دهد.

بدون حمایت قابل اعتماد سوریه، حزب الله ممکن است تسلط خود را بر سیاست لبنان تشدید کند و بحران را افزایش دهد.

پایگاه در بحبوحه پیشروی تحریر الشام این سوال را ایجاد می کند: آیا مسکو تاسیسات دریایی ارزشمند خود در طرطوس را رها خواهد کرد؟

در داخل سوریه، میدان نبرد به برنامه های رقابتی تقسیم شده است.

اسرائیل که از این پویایی های در حال تغییر آگاه است، در حال حاضر برای تامین امنیت مرزهای شمالی خود در حال حرکت است.

اردن که به طور سنتی به عنوان یک

اسرائیل و دولت جدید ترامپ به کجا خواهند رسید؟

چالش هایی که [CRINK] (چین، روسیه، ایران و کره شمالی) و دست نشانده های آن ها برای آمریکا و منافع غرب ایجاد می کنند، آمریکا اکنون از نظر دیپلماتیک و نظامی بیش از حد تحت فشار است. آمریکا منابع خود را در سه جبهه گسترش داده است: شرق آسیا، اروپا و غرب آسیا و همان طور که ترامپ در طول مبارزات انتخاباتی هشدار داد، ممکن است این درگیری ها به «جنگ جهانی سوم» کشیده شود.

از این منظر، حملات ۷ اکتبر علیه اسرائیل را نه تنها باید به عنوان فصلی دیگر در تاریخ جنگ های قبیله ای منطقه، بلکه به عنوان بخشی از تلاش سازمان یافته ایران از طریق حماس و حزب الله برای از بین بردن قدرت بازدارندگی اسرائیل و در این فرآیند همزمنی منطقه ای توسط آمریکا، حامی اسرائیل را به چالش می کشد.

جنگ در غزه و انزوای فزاینده اسرائیل در جامعه بین الملل نیز اختلافات فزاینده بین آمریکا و متحدان اروپایی آن را بر سر سیاست غرب آسیا آشکار کرده است.

<https://B2n.ir/k67036>



واضح است که وقتی نوبت به غرب آسیا می رسد، موازنه قدرت در این منطقه آشفته تغییر کرده است، همان طور که اولویت های جهانی و منطقه ای آمریکا دستخوش تغییر شده اند. این بدان معناست که سیاست دوره جدید ترامپ در غرب آسیا باید خود را با واقعیت های جدید تطبیق دهد و نمی تواند به سادگی سیاست دوره اول را تکرار کند.

در پس زمینه رقابت با چین، دو جنگ منطقه ای در اوکراین و غرب آسیا و

اتحاد مجدد قدرتمندی بین اسرائیل و آمریکا است.»

ترامپ در اولین دوره ریاست جمهوری خود به شدت از اسرائیل حمایت کرد. علاوه بر به رسمیت شناختن اورشلیم به عنوان پایتخت اسرائیل، دولت ترامپ اولین کشور در جهان شد که حاکمیت اسرائیل بر بلندی های جولان را که مدت ها مورد مناقشه قرار داشت، به رسمیت شناخت. همان طور که ترامپ دومین دوره ریاست جمهوری خود را آغاز می کند،

نشانی اینترست لئون هدر |

اصلاً تعجب آور نبود که بنیامین نتانیاهو، نخست وزیر اسرائیل، یکی از اولین رهبران خارجی بود که پیروزی دونالد ترامپ را در انتخابات تبریک گفت و آن را «پیروزی بزرگ» خواند. نتانیاهو در یک بیانیه تبریک، تلاش چندانی برای پنهان کردن شادمانی خود برای پیروزی ترامپ انجام نداد و گفت: «بازگشت تاریخی شما به کاخ سفید آغازی جدید برای آمریکا و

آینده سوریه با کمک آمریکا روشن‌تر خواهد شد

بلومبرگ |

آمریکا نباید منافع بلندمدت خود در سوریه را نادیده بگیرد، زیرا سقوط حکومت بشار اسد می‌تواند فرصتی برای بازسازی و بهبود این کشور فراهم کند. حکومت اسد در طول ۱۳ سال گذشته منبع شکنجه، گرسنگی و کشتار بوده است و بیش از نیمی از جمعیت کشور آواره شده‌اند، در حالی که شاخص‌های توسعه انسانی به شدت کاهش یافته‌اند و تولید مواد مخدر به یکی از منابع اصلی درآمد تبدیل شده است. با این حال، هرچند این تغییرات ممکن است امیدهایی برای بازسازی به همراه داشته باشند، اما تجربیات گذشته، مانند شورش‌های اسلام‌گرایان، قدرت‌گیری طالبان، انتقام‌جویی‌های فرقه‌ای و دخالت قدرت‌های خارجی که منجر به بن‌بست سیاسی در لیبی شده است، نشان می‌دهد که مدیریت این فرآیند بسیار پیچیده و نیازمند حمایت‌های هوشمندانه بین‌المللی خواهد بود.



اگرچه توانایی واشنگتن در شکل دادن به آینده سوریه محدود است، اما سه اولویت اصلی وجود دارد که باید بر آن‌ها تمرکز کرد. حدود ۹۰۰ نیروی آمریکایی که در سوریه مستقر هستند، نقش حیاتی در پشتیبانی از کردها و نظارت بر شبه‌نظامیان ایفا می‌کنند. آمریکا نباید نیروهای خود را از سوریه خارج کند مگر اینکه دولتی جدید و

متعهد به سرکوب گروه‌های تروریستی روی کار بیاید، سیاستی که ترامپ نیز پیش‌تر بر لزوم آن تأکید کرده بود. آمریکا باید با متحدان اروپایی و منطقه‌ای برای ایجاد یک دولت انتقالی در سوریه همکاری کند و از تفاهم با گروه‌های شورشی سنی و کردها برای جلوگیری از درگیری‌های داخلی اطمینان حاصل کند. این روند باید تحت رهبری سوریه باشد،

اما آمریکا می‌تواند اعمال نفوذ کند، زیرا هیئت تحریر الشام، جناح اصلی شورشیان، همچنان در فهرست سازمان‌های تروریستی خارجی قرار دارد. آمریکا همچنین باید از نقاط ضعف رقبا، خود، مانند حامیان سابق حکومت اسد در مسکو و تهران و «هلال شیعی» که اسرائیل را محاصره کرده است، استفاده کند که باعث قطع خطوط تدارکاتی به حزب الله شود. اگر روسیه دسترسی به پایگاه‌های خود در سوریه را از دست بدهد، برای نفوذ در منطقه و فراتر از آن تلاش ناکامی خواهد کرد. ترامپ باید روی مسکو برای یک توافق صلح با تضمین‌های امنیتی قوی برای اوکراین تمرکز کند و به ایران بین محدود کردن برنامه‌های هسته‌ای و موشکی اش و حمایت از شبه‌نظامیان منطقه‌ای یا مواجهه با تحریم‌های سخت‌تر یک گزینه را انتخاب کند.

<https://shorturl.at/ZOLEI>

آینده مبهم سوریه



مدرن دیپلماسی بن لوتنگوا

جهان روز یکشنبه شاهد بیرون راندن بشار اسد، رهبر بی‌رحمی بود که به مدت ۲۴ سال بر سوریه حکومت کرد و سرانجام توسط نیروهای شورشی سقوط کرد. مردم سوریه در جنگ داخلی‌ای استقامت کردند که بیش از یک دهه به طول انجامید و با خیر سقوط اسد در خیابان‌ها جشن گرفتند. این امر بدیهی است که این اتفاق یک تحول مثبت برای مردم سوریه قلمداد می‌شود که برای دهه‌ها برای حکومتی دموکراتیک‌تر می‌جنگند. بشار اسد یک حکومت سرکوبگر را اداره می‌کرد که خودسرانه مردم خود را دستگیر، شکنجه و کشتار می‌کرد و وحشیگری او در دهه گذشته از طریق روش‌هایی که برای سرکوب نظامی نیروهای مخالف به کار می‌برد، به نمایش گذاشته شد. هیچ‌کس دل‌تنگ بشار اسد نخواهد شد. با این حال، مهم است که انتظارات خود را با این واقعیت که کشورهای پس از مناقشه با چالش‌ها و خطرات جدی مواجه هستند، کاهش دهیم و سقوط

عربی که توسط آرمان‌های دموکراتیک هدایت می‌شود، به‌طور کلی نتوانست دموکراسی‌های باثبات جدیدی ایجاد کند. برای مثال، انقلاب مصر علیه حسنی مبارک را در نظر بگیرید که در ماه ژانویه سال ۲۰۱۱ آغاز شد. حکومت ۳۰ ساله مبارک بر مصر با فساد و یک حکومت نظامی خصمانه به خاطر آورده می‌شود. خیلی چیزها ممکن است اشتباه پیش بروند، اما این بدان معنا نیست که

<https://B2n.ir/k89541>

چگونه جمهوری خواهان می‌توانند حزب اکثریت جدید باشند

طریق افزایش حمایت از رای دهندگان سفیدپوست تحصیل کرده دانشگاهی می‌گذرد که منابع مالی و مدیریتی قابل توجهی را که در حال حاضر در حزب جمهوری خواه وجود ندارد، به ارمان می‌آورد. با بازگرداندن سفیدپوستان تحصیل کرده دانشگاهی به جمع، جمهوری خواهان می‌توانند برای همیشه دیوار آبی را در ایالت‌هایی مانند ویسکانسین، پنسیلوانیا و میشیگان بشکنند، در حالی که به‌طور بالقوه ایالت‌هایی مانند مینه‌سوتا، مین یا نیوهمپشایر را اضافه می‌کنند. با این حال، جمهوری خواهان باید ماهیت فرصت خود را قبل از اقدام برای استفاده از آن تشخیص دهند.

<https://B2n.ir/b38509>

مزیت قابل توجهی دارد. با این حال، دموکرات‌ها تعداد کمتری از مردان سفیدپوست دارند که به‌عنوان فرماندار یا سناتور زیر ۵۰ سال خدمت می‌کنند. مردان سفیدپوست از ساختارهای قدرت سیاست دموکرات محروم هستند و فرصت‌های آن‌ها محدود است. سفیدپوستان حرفه‌ای به‌طرز عجیبی در ائتلاف دموکرات‌ها جای می‌گیرند، به طوری که در سال ۲۰۲۳ تنها ۶۰ درصد از نیروی کار فدرال سفیدپوست در مقایسه با ۷۶ درصد در بخش خصوصی بودند. دانشجویان برتر جوان سفیدپوست حقوق باریک‌ترین مسیر را برای رسیدن به موقعیت‌های نخبه تحت دموکرات‌ها دارند. راه بلندمدت تسلط بر انتخابات، از

نبودند، نفوذ جدی داشت. به‌رغم پیروزی او در کالج الکترال، پیروزی ترامپ در آرای مردم حاشیه‌ای و حدود ۱٫۵ درصد بود و او اکثریت رای دهندگان را به خود اختصاص نداد. تکیه بر عملکرد ترامپ ممکن است دشوار باشد، زیرا دموکرات‌ها در حال حاضر یک شبکه حمایت قومی عظیم برای این گروه‌ها دارند. کسری نسبی آرای سفیدپوست ترامپ منعکس‌کننده روند بلندمدت حمایت خونی از جمهوری خواهان در میان نخبگان سفیدپوست است. حزب جمهوری خواه از نظر قضاات دادگاه عالی سفید، با پنج پروتستان سفیدپوست با پیشینه مسیحی،

نام کلینگشتاین

جرمی کارل

پیروزی دونالد ترامپ در سال ۲۰۲۴ یک پیروزی قابل توجه برای حزب جمهوری خواه بود که اولین پیروزی در رای مردمی ریاست جمهوری از سال ۲۰۰۴ و برجسته‌ترین پیروزی آن از سال ۱۹۸۸ بود. حزب جمهوری خواه ترامپ بسیار محافظه کارتر از نسخه ۱۹۸۸ است، اما در کشوری بسیار متنوع‌تر در سال ۲۰۲۴، رای دهندگان ترامپ تنها ۷۱ درصد سفیدپوست بودند، در مقایسه با ۶۷ درصد رای دهندگان سفیدپوست در سال ۲۰۲۰. ترامپ به مکان‌هایی مانند نیویورک و نیوجرسی که جمهوری خواهان برای دهه‌ها رقابتی

ترامپ چگونه می‌تواند دستور کار ۲۰۲۵ خود را اجرا کند؟

جدید، پایان تعلیق محدودیت بدهی ملی است که توسط یک توافق دوحزبی در اواسط سال ۲۰۲۳ تعیین شده است. از نظر فنی، تعلیق در اول ژانویه ۲۰۲۵ به پایان می‌رسد، اما خزانه‌داری آمریکا می‌تواند با «اقدامی موقت» برای پرداخت صورت حساب‌ها برای چند ماه، آن را بررسی کند. محاسبات کنونی این است که کنگره باید تا ژوئن سقف بدهی را افزایش یا تعلیق کند تا از نکل تعهدات دولت و بحران مالی جلوگیری کند.

دسامبر: «مهلت تمدید مالیات ترامپ»

کاهش مالیات ترامپ در سال ۲۰۱۷ در پایان سال ۲۰۲۵ منقضی می‌شود، بنابراین جمهوری خواهان انگیزه بیشتری برای دستیابی به توافق دوم بودجه تا آن زمان دارند. این پاداش وال استریت و کی استریت برای حمایت از بقیه دستور کار ترامپ خواهد بود. اما کاهش مالیات ممکن است برای جبران کاهش هزینه‌ها یا شاید تعرفه‌ها برای افزایش درآمد‌های فدرال باشد.

<https://B2n.ir/f38309>

کنجال بزرگی وجود نداشته باشد. فوریه: «اولین لایحه بزرگ قانون‌گذاری» اولین لایحه مصالحه بودجه می‌تواند خیلی سریع روی میز ترامپ باشد، شاید تا یک ماه پس از تحلیف. در آن مرحله، باید در مورد چگونگی رسیدگی به اولویت‌های دولت ترامپ حساب‌رسی شود.

مارس: «کسری بودجه»

کنگره در حال حاضر آخرین لایحه مخارج را برای حفظ عملکرد دولت فدرال در ۲۰ دسامبر، زمانی که «قطعنامه» قبلی منقضی می‌شود، انجام می‌دهد. توافق بر این است که لایحه جدید سطوح هزینه‌های فعلی را تا اواسط مارس ۲۰۲۵ تمدید می‌کند. اگر کنگره نتواند تا اواسط مارس اقدامی انجام دهد، از نظر تئوری ممکن است تعطیلی دولت اتفاق بیفتد، اما کنترل یکپارچه حزب جمهوری خواه بر کنگره این امر را بعید می‌کند.

ژوئن: «محدودیت بدهی»

نقطه تصمیم‌گیری دیگر برای حکومت

را دور بزنند و بسته بزرگی از قوانین جدید را با رأی بالا یا پایین حزبی وضع کند. به نظر می‌رسد که تیم ترامپ خواهان دو لایحه مصالحه بودجه است، یکی با تمرکز بر مجوز افزایش منابع امنیتی مرزی لازم برای اخراج گسترده مهاجران غیرقانونی و دیگری با هدف تمدید کاهش مالیات ترامپ در سال ۲۰۱۷.

روز اول: «آنچه ترامپ می‌تواند به صورت یکجانبه انجام دهد»

ترامپ با عجله‌ای غیرمعمول، ۵۲ گزینه را برای مناصب بلند پایه اعلام کرده است که نیاز به تایید سنا دارند، اما او نمی‌تواند تا زمانی که در ۲۰ ژانویه سوگند یاد کند، هیچ نامزدی را رسماً انتخاب کند. جلسات استماع تایید باید به همراه آرای کمیته برنامه‌ریزی شود. به گفته بالوت پدیا، میانگین زمان تایید نامزدهای ترامپ پس از ارائه به سنا تحت کنترل جمهوری خواهان در سال ۲۰۱۷، ۳۷ روز بوده است. این احتمالاً به همان سرعتی است که سنا می‌تواند گزینه‌های ترامپ را پردازش کند، حتی اگر تعلیق یا

اینتلجنسر اد کیلگور

به نظر می‌رسد که دونالد ترامپ مصمم است که با روی کار آمدن مجدد در ۲۰ ژانویه ۲۰۲۵، کار خود را آغاز کند. او آشکارا بر این باور است که پیروزی محدودش بر کاملاً هریس و سه گانه کنگره که حزب جمهوری خواه با کمترین اختلاف ممکن به دست آورد، به او یک اختیار عمومی بدون قید و شرط می‌دهد تا هر کاری را که می‌خواهد انجام دهد.

اما در یک روز کارهای زیادی می‌توان انجام داد، حتی زمانی که شمارتیس جمهور هستند و کنگره اولویت‌های خاص خود را دارد. بنابراین، ترامپ و متحدان جمهوری خواهش چقدر سریع می‌توانند دستور کار خود را اجرا کنند؟ در اینجا نگاهی به جدول زمانی احتمالی برای سال ۲۰۲۵ داریم.

اوایل ژانویه: «هدیه‌ای پیش از تحلیف از طرف کنگره»

کلید اجرای دستور کار قانون‌گذاری ترامپ، فرآیند آشتی بودجه خواهد بود که کنگره را قادر می‌سازد تا سنا

با وجود تهدید ترامپ، اندونزی همچنان چشم به عضویت در بریکس دارد



صدای آمریکا دیوانتلی فریدز

اندونزی با وجود تهدید دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور منتخب آمریکا مبنی بر دوبرابر کردن تعرفه‌ها بر اعضای بلوک بریکس تحت رهبری روسیه و چین، در صورت پیگیری هدف اعلام شده خود مبنی بر ایجاد جایگزینی برای دلار آمریکا در تجارت بین‌المللی، محتاطانه مصمم به پیوستن به بریکس است.

در نشست پارلمان ماه جاری با وزارت خارجه اندونزی، قانون‌گذاران نگرانی خود را از تهدیدهای ترامپ ابراز کردند.

سومائل عبدالله، قانون‌گذار حزب حاکم با مسئولیت امور خارجی گفت: «اگرچه ما به گسترش روابط دیپلماتیک خود اطمینان داریم، اما حضور اندونزی در بریکس ممکن است به‌عنوان انحراف از روابط تجاری معمول با آمریکا و اتحادیه اروپا تلقی شود.» اجازه ندهید این به واقعیت تبدیل شود، زیرا کشورهایمانند روسیه و چین مطمئناً بر بریکس تسلط خواهند داشت.

سوگیونو، وزیر امور خارجه از تصمیم خود برای پیوستن به بریکس دفاع کرد و استدلال کرد که عضویت در بریکس مزایای زیادی دارد.

او در جلسه دوم دسامبر به قانون‌گذاران گفت: «در اصل، بریکس بستر خوبی است که ما می‌توانیم از آن به‌عنوان کشتی خود برای رفت و گو و پیشبرد منافع کشورهای در حال توسعه استفاده کنیم. این همچنین اجرای سیاست خارجی مستقل و فعال ما است.»

سوگیونو بر اهمیت تقویت اقتصاد اندونزی از طریق ایجاد امنیت غذایی و انرژی و توسعه صنایع تأکید کرد. وی افزود، اندونزی باید از نظر اقتصادی کمتر به سایر کشورها متکی باشد تا بتواند بهتر در مورد سیاست خارجی خود تصمیم بگیرد.

اگرچه کشورهای بریکس کاهش اتکا به دلار آمریکا را به‌عنوان ارزش مبادله‌ای هدف خود قرار داده‌اند، اما سوگیونو گفت: «این موضوع در اجلاس سران بریکس در ماه اکتبر امسال روسیه مطرح نشد.»

با این حال، وزیر امور خارجه باتوجه به تهدید ترامپ، در برابر بازنگری در این تصمیم باز گذاشت.

وی خطاب به قانون‌گذاران گفت: «اگر فکر می‌کنیم مواردی وجود دارد که می‌تواند به منافع ملی ما آسیب برساند، می‌توانیم عضویت خود را در بریکس بررسی کنیم. آنچه مهم است این است که تلاش ما برای پیوستن به هر گروه چندجانبه در راستای حفظ منافع ملی ما متمرکز است.»

سفر اندونزی برای پیوستن به بریکس پیچیده است. بریکس یک سازمان همکاری اقتصادی جهانی است که در سال ۲۰۰۶ برای تمرکز بر فرصت‌های سرمایه‌گذاری در میان کشورهای مؤسس آن، برزیل، روسیه، هند، چین و آفریقای جنوبی تشکیل شد.

اندونزی تمایل خود را برای پیوستن به این بلوک در

نفوذ نهادهای جهانی تحت سلطه غرب مانند صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی است، درک می‌شود و اندونزی با پیوستن به بریکس می‌تواند نفوذ جهانی خود را افزایش دهد و به شکل‌دهی دستور کار جنوب جهانی کمک کند.»

اما توبیاس باسوک، یکی از بنیان‌گذاران مرکز مشاوره ارسطو (Aristoteles Consults)، در مصاحبه با صدای آمریکا گفت: «او تردید دارد که اندونزی از پیوستن به این بلوک سود زیادی کسب کند، زیرا بیشتر اهداف سیاسی و اقتصادی آن می‌تواند از طریق روابط دوجانبه با اعضای بریکس محقق شود.»

او گفت: «روسیه و چین از گسترش عضویت در این گروه سود بیشتری خواهند برد.» وی افزود: «آن‌ها برنامه و منافع خود را دارند که لزوماً همیشه با نیازها و منافع جنوب جهانی همسو نیست. بنابراین، با پیوستن به بریکس، شما در واقع وارد زمین بازی آن‌ها می‌شوید. ممکن است اندونزی موقعیتی را که پروبوو می‌خواهد به‌عنوان پل‌ساز بین دو قدرت رقیب باشد، ایجاد نکند.» باسوک گفت: «اگر اندونزی می‌خواهد رهبر جنوب جهانی باشد، پس بهتر است کنفرانس آسیا-آفریقا و جنبش غیرمتعهدها (به رهبری اندونزی) را احیا کند که در حال حاضر دارای ۱۲۰ کشور است که بازتابی واقعی از اتحاد جهانی جنوب است.»

جدا از پیوستن به بریکس، اندونزی همچنین به دنبال عضویت در سازمان همکاری و توسعه اقتصادی است که نشان‌دهنده جاه‌طلبی آن برای همسویی با استانداردهای جهانی حکمرانی و باز بودن اقتصادی است.

<https://shorturl.at/PTszM>

اجلاس اکتبر در کازان روسیه، جایی که سوگیونو چندین گام ملموس برای تقویت همکاری‌های بریکس و جهانی جنوب پیشنهاد کرد، ابراز کرد.

پرابوو سوپانتو، رئیس‌جمهور اندونزی بارها بر قصد خود برای دوستی با چین و آمریکا تأکید کرده و گفته است که اندونزی به هیچ‌بلوک نظامی نخواهد پیوست. توکو رزاسیاه (Teuku Rezasyah)، استاد متخصص در دیپلماسی و سیاست خارجی دانشگاه پادجاران (UNPAD)، به صدای آمریکا گفت که پیوستن به بریکس اندونزی را در مرکز ژئوپلیتیکی بین‌بلوک‌های قدرت رقیب قرار می‌دهد.

او در یک سمینار ملی گفت: «ما نه‌تنها با آمریکا، اتحادیه اروپا، بلکه با روسیه و چین نیز نزدیک‌تر شده‌ایم. در نتیجه، قدرت چانه‌زنی بیشتری داریم که به نفع ما خواهد بود.» توکو استدلال کرد که چشم‌انداز مشترک بریکس، همان‌طور که در بیانیه مشترک سال ۲۰۲۱ بیان شد، خواستار یک ساختار سیاسی، اقتصادی و مالی جهانی بازسازی شده با سازمان ملل متحد اصلاح‌شده در مرکز آن است. او گفت که این چشم‌انداز منعکس‌کننده دنیای معاصر است که عادلانه‌تر، متعادل‌تر و نماینده است. منافع سیاسی، چالش‌ها: اگرچه اندونزی از سال ۲۰۲۲ برای عضویت در بریکس دعوت شده است، اما تا ماه اکتبر امسال رسماً قصد خود را اعلام نکرد. اندونزی در حال حاضر یک کشور شریک بریکس است، وضعیتی که برای ۱۲ کشور دیگر از جمله کشورهای مالزی، ویتنام و تایلند اعمال می‌شود.

توکو گفت: «این سازمان معمولاً به‌عنوان تلاشی برای تشکیل یک بلوک ژئوپلیتیکی که قادر به مقابله با

تشکیل محور تهاجمی مسکو و تهران



فاش کرده است. قتل عام وحشیانه حدود ۱ هزار و ۲۰۰ انسان بی‌گناه در اسرائیل و ربودن ۲۵۴ نفر دیگر با همکاری اطلاعاتی روسیه با حماس امکان‌پذیر شد.

امروز، هر دو متجاوز به دلیل فراتر رفتن خشونتشان به قهقرا می‌روند. این امر در هیچ کجا واضح‌تر از درگیری طولانی‌مدت در سوریه نیست. نیروهای ضد دولتی اکنون حکومت بشار اسد، رئیس‌جمهور سابق را شکست داده‌اند و در دو هفته نبرد برق‌آسا، تمام شهرهای بزرگ کشور را تحت سلطه خود درآورده‌اند. پاسخ‌های مرتبط قدرت‌های متجاوز در پایان داستان اسد گویا بوده است. در شرایطی که حزب‌الله به دلیل شکست‌هایش در حمله به اسرائیل نابود شده بود، ایران نیروهای نیابتی عراقی خود را تحت فشار قرار داد تا به جنگ بپیوندند و تهدید کرد که نیروهای خود را به دمشق خواهد فرستاد.

کشورهای آزاد جهان دشمنان یگسائی دارند و سیستم‌های تسلیحاتی و حمایت دیپلماتیک یگسان برای ادامه بقای آن‌ها در برابر تهاجم قدرت‌های دیکتاتور مورد نیاز است. با این حال، به طرز عجیبی، اوکراین و اسرائیل همیشه دوستان یگسانی ندارند.

<https://B2n.ir/n26087>

استفاده کرد. با توجه به حملات «تهران به اوکراین» و «روسیه به مخالفان سوری»، باید روشن شود که تجاوز روسیه و ایران یک معضل است و این جدایی‌متصور تنها در ذهن برخی روزنامه‌نگاران، دانشگاهیان و دیپلمات‌های غربی وجود دارد. در مورد حمله به اسرائیل نیز این مسئله صادق است. در حالی که تسلیح، آموزش و هماهنگی حملات حماس به جنوب اسرائیل در ۱۷ اکتبر ۲۰۲۳ توسط ایران شناخته شده، مشارکت روسیه در این حمله به طور گسترده‌ای درک نشده است. با این حال، همان‌طور که نیکی هیلی، سفیر سابق آمریکا در سازمان ملل متحد، علناً

رئیس‌جمهور ایران، قول داد که اسرائیل را از روی نقشه محو کند. هنگامی که حکومت اسد در سوریه، نزدیک‌ترین متحد عرب تهران، برای اولین بار تحت یک شورش غیرنظامی گسترده در اوایل دهه ۲۰۱۰ متزلزل شد، حکومت ایران به طرز وحشیانه‌ای برای تقویت آن اقدام کرد و به حزب‌الله، گروه نیابتی خود در لبنان دستور داد تا علیه مردم سوریه مداخله کنند. زمانی که حتی این اقدام برای پایان دادن به شورش مردمی ناکافی بود، روسیه مداخله گسترده‌ای را در سوریه آغاز کرد و از نیروهای مسلح خود برای سرکوب شورشیان و به دام انداختن سوریه در یک جنگ داخلی بیش از یک دهه

واشنگتن اگزمینر

ساره عبیدان |

ضعف باعث تجاوز می‌شود و مانند نظام بین‌المللی متزلزلی که پس از جنگ جهانی اول توسط جامعه ملل نمایندگی می‌شود، نظم جهانی امروز که بر پایه «پکس امریکانا» (معادل لاتین «صلح آمریکایی») و دموکراسی‌های دریایی بنا شده است، تحت فشار شدید قرار دارد. یک بار دیگر، دیکتاتوری‌های غارتگر در حال آزمایش قدرت خود هستند، به ویژه در اروپای شرقی، جایی که روسیه در تلاش برای نابودی اوکراین است و در غرب آسیا، جایی که ایران قصد دارد اسرائیل را از بین ببرد. این دولت‌ها، در حالی که از هر جهت شریک و متحد هستند، تلاش کرده‌اند تا دشمنان بی‌بصیرت خود را در غرب فریب دهند تا این درگیری‌ها را متمایز ببینند. بی‌تدبیری پرهزینه است و کشورهای غربی نمی‌توانند این دروغ‌ها را بپذیرند. فروپاشی بیش از ۵۰ سال حکومت خانواده اسد باید نشانه‌ای برای آگاهی از دامنه و ماهیت کامل حمله به نظم جهانی ماباشد. در خاور نزدیک، روحانیون ایران سال‌ها است که نفوذ خود را افزایش داده‌اند. در سال ۲۰۰۵، محمود احمدی‌نژاد،

سایر حوزه‌ها

میدل ایست آی

انتقال قدرت فراگیر باشد

گیر پدرسون، فرستاده ویژه سازمان ملل در امور سوریه، در دیدار با احمد الشرح، رهبر اصلی شبه‌نظامیان سوری که حکومت اسد را سرنگون کردند، با استناد به قطعنامه سال ۲۰۱۵ میلادی از سوی شورای امنیت سازمان ملل خواستار فراگیری روند گذار در سوریه شد. احمد الشرح، معروف به ابو محمد جولانی، است.

حاکمان جدید سوریه هم در بیانیه‌ای جداگانه خواهان بازنگری و بروز رسانی قطعنامه ۲۲۵۴ شورای امنیت سازمان ملل، متعلق به ۹ سال قبل و «مطابقت آن با واقعیت تازه» شدند. دیدار احمد الشرح، فرمانده گروه اسلام‌گرای «هیئت تحریر الشام» و گیر پدرسون در روز یکشنبه ۲۳ آذر، یکی از با اهمیت‌ترین ملاقات‌های بین‌المللی برای احمد الشرح به‌شمار می‌رود. بر پایه بیانیه‌ای که دفتر گیر پدرسون صادر کرده، فرستاده ویژه سازمان ملل در جریان دیدار با احمد الشرح، نتیجه نشست بین‌المللی بندر عقبه، در اردن را با او در میان گذاشته و بر ضرورت گذار سیاسی فراگیر در سوریه با مشارکت و رهبری مردم این کشور و با مدنظر قراردادن قطعنامه ۲۲۵۴ شورای امنیت سازمان ملل تأکید کرده است.

<https://B2n.ir/d92836>

صدای آمریکا

تحریم‌های نفتی آمریکا علیه ایران پابرجا است و اعمال می‌شود

نماینده ویژه وزارت امور خارجه آمریکا در امور ایران، به گزارش‌ها در باره تلاش جمهوری اسلامی برای فروش غیرقانونی میلیون‌ها بشکه نفت خود واکنش نشان داد. آبرام پیلی با انتشار مطلبی در شبکه اجتماعی ایکس به «گزارش‌های تأیید نشده در مورد انتقال و فروش احتمالی نفت ذخیره شده ایران» اشاره کرد.

او در این مطلب با باز نشر تازه‌ترین اقدامات تحریمی وزارت خزانه‌داری علیه جمهوری اسلامی، تأکید کرد که تحریم‌هایی که آمریکا بر نفت ایران وضع کرده، همچنان «پابرجا است و اعمال خواهد شد».

باز نزدیک شدن زمان آغاز به کار دولت دونالد ترامپ و احتمال بازگشت سیاست «فشار حداکثری» در مقابل جمهوری اسلامی، گزارش‌هایی از افزایش روزانه صادرات نفت ایران به چین منتشر شده است.

وزارت خزانه‌داری آمریکا در روزهای گذشته تحریم‌های تازه‌ای را علیه ۳۵ نهاد و کشتی به دلیل مشارکت در قاچاق نفت ایران به بازارهای خارجی و در راستای تشدید فشارها بر «ناوگان سایه» جمهوری اسلامی وضع کرده است.

<https://B2n.ir/z63563>

چگونه ترکیه در جنگ داخلی سوریه پیروز شد؟

سوریه

غرب آسیا

مركز مطالعات استراتژيكي

روزنامه



فازن افز ادوارد لوکاسی

در بیشتر پایتخت‌های غرب آسیا، خبر سقوط بشار اسد، رئیس‌جمهور سوریه، نگرانی‌های زیادی را برانگیخت. آنکارا یکی از آن‌ها نیست. رجب طیب اردوغان، رئیس‌جمهور ترکیه، به جای نگرانی در مورد چشم‌انداز سوریه پس از بیش از یک دهه درگیری، فرصتی را در آینده پس از اسد می‌بیند، خوش‌بینی او کاملاً به جا است: از میان همه بازیگران اصلی منطقه، آنکارا قوی‌ترین کانال‌های ارتباطی و سابقه همکاری با گروه اسلام‌گرای را دارد که اکنون در دمشق مسئول است و آن را برای بهره‌گیری از مزایای سقوط بشار اسد قرار می‌دهد.

رهبر نیروهای شورشی که روز یکشنبه به حکومت اسد پایان داد، هیئت تحریر شام [HTS] است، یک گروه مسلمان سنی که قبلاً وابسته به القاعده بود و توسط ترکیه، آمریکا و سازمان ملل متحد به عنوان یک سازمان تروریستی معرفی شده است. با وجود این نام‌گذاری‌ها، ترکیه به هیئت تحریر شام کمک غیرمستقیم کرده است. حضور نظامی ترکیه در شهر ادلب در شمال غرب سوریه تا حد زیادی از این گروه در برابر

ایجاد روابط نزدیک با مستبدان آفریقایی، به ویژه در ساحل (مناطق شمال سنغال، جنوب موریتانی، مرکز مالی، جنوب الجزیره و نیجر، مرکز چاد، جنوب سودان، شمال سودان جنوبی و اریتره را در بر می‌گیرد) استفاده کرد، در حالی که ترکیه به دنبال این بود که خود را جایگزینی برای مسکو قرار دهد.

اگرچه سوریه پس از اسد فرصت‌هایی را برای آنکارا فراهم می‌کند، اما خطر غیرقابل چشم‌پوشی نیز وجود دارد که نیروهای تحت رهبری اسلام‌گرایان که دیکتاتور را سرنگون کردند، بی‌ثباتی و افراط‌گرایی را تقویت کنند. ۱۳ سال پس از قیام لیبی با حمایت ناتو که منجر به سرنگونی و مرگ معمر القذافی شد، این کشور همچنان در درگیری و هرج‌ومرج فرو رفته است و مردم آن با وجود ثروت فراوان نفتی خود در رنج هستند.

اینکه آیا گروه‌هایی که جایگزین اسد شده‌اند می‌توانند به این مشکلات رسیدگی کنند یا خیر، مشخص نیست. شورشیان یک نخست‌وزیر موقت را اعلام کرده‌اند، اما دولت جدید هنوز به طور کامل ایجاد نشده است.

<https://B2n.ir/y10578>

سازمان‌دهی و انجام حملات استفاده کردند. آنکارا امیدوار بود که با حکومت اسلام‌گرایان در دمشق، نفوذ منطقه‌ای ترکیه گسترش یابد؛ اما با طولانی شدن جنگ داخلی سوریه، مشکلاتی را برای ترکیه ایجاد کرد. امروز، با رفتن اسد، این توازن قوا به سرعت به نفع اردوغان تغییر کرده است. از دست دادن روسیه نه تنها به ترکیه اختیار بیشتری در سوریه می‌دهد، بلکه به موقعیت مسکو در سایر مکان‌هایی که دو کشور برای نفوذ در آن رقابت می‌کنند نیز آسیب می‌رساند. آفریقا یکی از این مناطق است. مداخله در سوریه به پوتین کمک کرد تا تصویری از روسیه به عنوان یک قدرت بزرگ و یک حامی قابل اعتماد ارائه دهد. او از این شهرت برای

حملات نیروهای دولتی سوریه محافظت کرد و به آن اجازه داد تا سال‌ها این استان را بدون مزاحمت اداره کند. ترکیه جریان کمک‌های بین‌المللی به مناطق تحت کنترل هیئت تحریر شام را مدیریت کرد که مشروعیت این گروه را در میان مردم محلی افزایش داد. تجارت از طریق مرز ترکیه حمایت اقتصادی هیئت تحریر شام را نیز فراهم کرده است. مسیر نفوذ اردوغان در سوریه دشوار بوده است. پس از شروع قیام در این کشور در سال ۲۰۱۱، آنکارا به حامی سرسخت مخالفان اسد تبدیل شد و به گروه‌های شورشی کمک مالی و نظامی کرد و حتی به آن‌ها اجازه داد تا از خاک ترکیه برای

سایر خبرها

تایمز اسرائیل

افراط‌گرایی، روسیه و حکومت ایران در سوریه جایی ندارند

مسئول سیاست خارجی اتحادیه اروپا پس از دیدار با وزرای امور خارجه اروپا به خبرنگاران گفت: افراط‌گرایی، روسیه و حکومت ایران نباید در آینده سوریه جایی داشته باشند. کایا کالاس گفت: بسیاری از وزرای خارجه تاکید کردند که باید برای رهبری جدید سوریه این شرط گذاشته شود که نفوذ روسیه (در سوریه) را از بین ببرد. او همچنین گفت: به دیپلمات ارشد اتحادیه در امور سوریه دستور داده است که به دمشق سفر کرده و با دولت جدید این کشور ارتباط برقرار کند. به گزارش نشریه تایمز اسرائیل، کالاس در گفت‌وگو با خبرنگاران هنگام ورود به نشست وزیران خارجه اتحادیه اروپا در بروکسل گفت که این دیپلمات امروز به پایتخت سوریه سفر خواهد کرد. روز شنبه، آنتونی بلینکن، وزیر خارجه آمریکا، نیز اعلام کرد که واشنگتن در حال برقراری تماس با «هیئت تحریر الشام» است. سقوط بشار اسد، موجب شده که اداره این کشور به ائتلافی از گروه‌های شورشی، به رهبری گروه جهادی «هیئت تحریر الشام» واگذار شود.

<https://B2n.ir/t07106>

واشنگتن پست

جمهوری اسلامی تنها می‌تواند «یک موشک در هفته» تولید کند

روزنامه واشنگتن پست به نقل از یک مقام اسرائیلی گزارش داد که در نتیجه حمله با مداد شنبه ۵ آبان رژیم صهیونیستی علیه مواضع حکومت ایران، جمهوری اسلامی اکنون هر هفته تنها برای یک موشک بالستیک می‌تواند سوخت تولید کند. به گفته این مقام اسرائیلی که هویتش فاش نشده، حکومت ایران پیش از حمله ۵ آبان می‌توانست روزانه سوخت لازم برای دو فروند موشک بالستیک را تولید کند. او در بخش دیگری از سخنانش به واشنگتن پست گفت که این کاهش تولید سوخت موشک‌های بالستیک به مدت یک سال ادامه خواهد یافت. در همین ارتباط، یوآو گالات، وزیر دفاع پیشین اسرائیل، گفت که هدف از حمله ۵ آبان حصول اطمینان از «ضعیف‌تر» بودن حکومت ایران و «قوی‌تر» بودن رژیم صهیونیستی بود تا جمهوری اسلامی قادر به پاسخ دادن به حملات آتی نباشد.

<https://B2n.ir/u65255>

آینده نامشخص روابط ارمنستان و آذربایجان

کامن اسپیس بنیامین پوقوسیان

روند مذاکرات بین ارمنستان و آذربایجان از سال ۲۰۲۲ از یک الگوی تکراری پیروی می‌کند؛ خوش بینی اولیه برای امضای توافقنامه صلح تا پایان سال و ناامیدی از شکست مذاکرات در پایان سال که روند معمول است. سال ۲۰۲۴ نیز از این قاعده مستثنی نبود که با تحولات امیدوارکننده آغاز شد و با اختلافات حل نشده به پایان رسید. در دسامبر ۲۰۲۳، ارمنستان و آذربایجان اعلامیه مشترکی را امضا کردند که در آن ارمنستان از پیشنهاد آذربایجان برای میزبانی اجلاس آب و هوای سازمان ملل در نوامبر ۲۰۲۴ حمایت کرد و آذربایجان ۳۲ اسیر جنگی ارمنی را آزاد کرد. این ژست لحن مثبتی ایجاد کرد و اجلاس آب و هوای سازمان ملل به عنوان یک ضرب الاجل غیررسمی برای توافق صلح عمل کرد.

از ماه مارس تا ماه می سال ۲۰۲۴، تحدید حدود و مرزبندی یک بخش مرزی ۱۲٫۷ کیلومتری، اولین حرکت بزرگ بود که البته از سال ۱۹۹۱ در سایه تهدیدهای آذربایجان بود. در اکتبر ۲۰۲۴، پارلمان ارمنستان چارچوب نظارتی کمیسیون تعیین حدود را تصویب کرد که رئیس جمهور آذربایجان نیز آن را تأیید کرد.

آلمان و آمریکا تلاش‌هایی را برای تسهیل مذاکرات رهبری کردند. صدراعظم آلمان یک نشست رهبری را در کنفرانس امنیتی مونیخ ترتیب داد و بعداً وزیر امور خارجه در برلین را ملاقات کردند. سپس آنتونی بلینکن، وزیر امور خارجه آمریکا، دو دیدار بین وزرای خارجه ارمنستان و آذربایجان را در جولای و سپتامبر ۲۰۲۴ در آمریکا ترتیب داد. مایکل کارپنتر، دستیار ویژه رئیس جمهور آمریکا و مدیر ارشد اروپا در شورای امنیت ملی، در ماه اکتبر سال ۲۰۲۴ از آذربایجان و ارمنستان بازدید کرد. او نامه‌ای از سمت رئیس جمهور آمریکا ارائه کرد که در آن زهربران خواسته بود تا توافق نامه صلح را تا پایان سال ۲۰۲۴ امضا کنند.

اوج روند مذاکرات دوجانبه در کازان روسیه در جریان اجلاس سران بریکس در اکتبر ۲۰۲۴ اتفاق افتاد که در آن



۲۰۲۴ می توانست به مراتب بدتر باشد. قابل ذکر است، این اولین سال از سال ۲۰۲۰ است که بدون تشدید قابل توجهی گذشته است. در سال ۲۰۲۱، آذربایجان دو حمله به ارمنستان انجام داد و در ماه سپتامبر سال ۲۰۲۲، تشدید شدیدی تنش باعث پیشروی نیروهای آذربایجان به سمت ارمنستان شد.

در ماه سپتامبر ۲۰۲۳، آذربایجان عملیات نظامی علیه قره‌باغ انجام داد که منجر به انحلال جمهوری خودخوانده و آواره اجباری ارمنه شد. در مقابل، سال ۲۰۲۴ تنها شاهد یک حادثه بزرگ بود که تنها منجر به کشته شدن چهار سرباز ارمنی شد. عوامل بسیاری باعث شد که امسال تشدید تنش کمی داشته باشد؛ اما برخی از عوامل تثبیت کننده موجود در سال ۲۰۲۴ ممکن است در سال ۲۰۲۵ باقی نباشند. کنفرانس آب و هوای سازمان ملل به پایان می‌رسد و ظرفیت ایران برای تأثیرگذاری بر ژئوپلیتیک منطقه ممکن است به دلیل تشدید تنش‌ها در غرب آسیا به خصوص با شکست حکومت اسد کاهش یابد. بازیگرانی که روی ثبات و امنیت منطقه سرمایه گذاری کرده‌اند باید به اولویت دادن به قفقاز جنوبی ادامه دهند و پیامی صریح ارائه دهند که هرگونه تشدید تنش غیرقابل قبول است.

<https://tinyurl.com/284ms6og>

خواست رسماً درخواست انحلال گروه مینسک سازمان امنیت و همکاری اروپا (OSCE) را داشته باشد و بر ترانزیت نامحدود آذربایجان از طریق ارمنستان مامشات ورزد؛ این خواسته‌ها احتمالاً به قوت خود باقی مانده است.

به رغم تلاش‌های دیپلماتیک قابل توجه آمریکا، هیچ توافقی قبل یا در خلال امضا نشد. بنا بر گزارش‌ها، ارمنستان هیأتی را به این اجلاس نفرستاد، زیرا آذربایجان از آزادی اسرای جنگی ارمنی دیگر خودداری کرد. ارمنستان به دنبال حفظ لحن مثبت در مورد مذاکرات بود. در تاریخ ۴ دسامبر ۲۰۲۴، پاشینیان اعلام کرد

که ۹۰ درصد متن مورد توافق قرار گرفته است و ابراز امیدواری کرد که مذاکرات بهتر شود، اما با این حال، او جدول زمانی مشخصی برای امضای این سند ارائه نکرد و روز بعد، وزیر امور خارجه ارمنستان طی سخنرانی خود در شورای وزیران سازمان امنیت و همکاری اروپا گفت که ارمنستان و آذربایجان بر مقدمه و ۱۵ ماده از ۱۷ ماده معاهده صلح توافق کرده‌اند.

بنابراین، ارمنستان و آذربایجان احتمالاً بدون توافق صلح وارد سال ۲۰۲۵ خواهند شد مگر اینکه پیشرفتی حاصل شود. اگرچه ممکن است این شکست مذاکرات و یک سال از دست رفته دیگر در روابط ارمنستان و آذربایجان به نظر برسد، اما سال

رؤسای جمهور ارمنستان و آذربایجان گفت‌وگوهای دوجانبه داشتند. نیکول پاشینیان، نخست‌وزیر ارمنستان این گفت‌وگوها را «کاملاً مثبت» توصیف کرد. مقامات ارمنستان و آذربایجان اظهارات مختلفی در مورد پیشرفت مذاکرات بیان کردند و خاطر نشان کردند که بسیاری از قسمت‌های متن معاهده مورد توافق قرار گرفته است و تنها چند موضوع حل نشده باقی مانده است. دولت ارمنستان بارها آمادگی خود را برای امضای مواد مورد توافق به عنوان یک سند صلح و در عین حال ادامه مذاکرات در مورد مسائل باقی مانده ابراز کرده است.

با وجود این شتاب مثبت، آذربایجان همچنان پیش شرط‌هایی را برای امضای توافقنامه صلح اعمال کرده است. در تاریخ ۴ نوامبر ۲۰۲۴، درست چند روز قبل از اجلاس آب و هوای سازمان ملل، فرید شفیق، رئیس مرکز تحلیل روابط بین‌الملل آذربایجان، در حساب کاربری ایکس خود نوشت که سه موضوع اختلافی وجود دارد: «ادعاهای ارضی در قانون اساسی ارمنستان در مورد منطقه قره‌باغ، موضوعات حقوق بین‌المللی و اختلافات بر سر استقرار نیروهای کشور ثالث در امتداد مرز ارمنستان و آذربایجان».

در اوایل سال ۲۰۲۴، الهام علی‌اف، رئیس جمهور آذربایجان از ارمنستان

اهمیت توانمندسازی فرماندهی‌های رزمی برای نبرد آینده

سوریا

نظامی

مؤسسه مطالعات استراتژیک

روزنامه

با وضعیت چالش برانگیزی مواجه است، زیرا تلاش‌های این سرویس از نیازهای فوری فرماندهی‌های رزمی کم است.

شبکه‌های فرمان منسوخ شده‌اند و برای برآوردن نیازهای محاسباتی امروزی، با پتانسیل محدود به دلیل سخت‌افزار و شبکه، در تلاش هستند. این فرمان بخش زیادی از بودجه خود را صرف حفظ سیستم‌های قدیمی می‌کند و باعث می‌شود که قادر به سرمایه‌گذاری در قابلیت‌های آینده مرکزی یک شبکه مدرن نباشد.

علیرغم تلاش‌های نوسازی داخلی، نوسازی فرماندهی و کنترل در مقیاس، از جمله نیروی انسانی، شبکه‌ها و زیرساخت‌ها، از منابع و ظرفیت پیشی می‌گیرد. فرماندهان جنگنده تنها

حدود ۰٫۷ درصد از بودجه دفاعی را در اختیار دارند، در حالی که ارتش، نیروی هوایی و نیروی دریایی بیش از ۸۰ درصد بودجه را در اختیار دارند. وزارت دفاع نباید تمام تلاش‌های

نوسازی فرماندهی و کنترل را تحت یک ادغام‌کننده واحد، مانند فرماندهی هند و اقیانوسیه آمریکا، که در حال حاضر اکثر منابع فرماندهی جنگنده را بر اساس استراتژی دفاع ملی منسوخ دریافت می‌کند، بکپارچه کند. این رویکرد تفاوت در الزامات عملیاتی در بین دستورات را نادیده می‌گیرد و اثربخشی را قربانی کارایی می‌کند.

یک سیستم فرماندهی و کنترل باید متناسب با محیط و وظیفه خود باشد که به‌طور قابل توجهی بر اساس دشمن، جغرافیا، خواسته‌های ائتلاف و سایر عوامل متفاوت است.

برای توانمندسازی جنگجویان، فرماندهی اروپای آمریکا باید رویکرد جدیدی اتخاذ کند که فرماندهی‌های رزمنده را برای آزمایش، توسعه و میدان دادن به قابلیت‌های مشترک در صحنه خود توانمند می‌سازد.

علیرغم نیاز به تطبیق سریع فرماندهی اروپایی آمریکا، آن‌ها منابع کافی برای انجام این کار را ندارند. بدون فرماندهی و کنترل مدرن برای فرمانده عملیاتی، نیروها نمی‌توانند به‌طور مؤثر در میدان جنگ به کار گرفته شوند.



منحصر به فرد آن‌ها کم می‌گذارد. این گسست بین الزامات قابلیت، ابتکارات نوسازی مبتنی بر خدمات و نیازهای واقعی فرماندهی‌های رزمی قابل توجه است.

سرویس‌ها در حال توسعه قابلیت‌های فرماندهی و کنترل خود مانند Project Convergence, Overmatch سیستم مدیریت نبرد پیشرفته هستند که منجر به مجموعه‌ای از تلاش‌های بی‌نظیر می‌شود که در ارائه قابلیت‌های لازم برای همگام‌سازی و اجرای نبرد مشترک در جنگ‌های مدرن ناکام هستند.

فرماندهی و کنترل را نمی‌توان به صورت مجزا مورد بررسی و ارزیابی قرار داد و باید به‌طور کامل به‌عنوان یک سیستم واحد مورد بررسی قرار گیرد. برای غلبه بر این چالش، نوسازی فرماندهی و کنترل باید از تلاش‌های خدماتی به نفع فرمانده رزمی دور شود.

دفتر ارشد دیجیتال و هوش مصنوعی ارائه دستورات جنگی را با پشتیبانی بسیار مورد نیاز آغاز کرده است، اما این سرویس‌ها مرتباً مخالف هرگونه منابع معنی‌دار هستند. فقدان راه‌حل‌های قابل اجرا، ناکارآمدی رویکرد فعلی وزارت دفاع در محیط امنیتی امروز را تقویت می‌کند.

فرماندهی اروپای آمریکا در نوسازی سیستم‌های فرماندهی و کنترل خود

را در میدان جنگ محدود می‌کند. فرماندهی و کنترل، یک تکه فناوری نیست، بلکه یک سیستم پیچیده است که از ساختار و فرآیندهای یک سازمان گرفته تا شبکه‌ها، نرم‌افزارها و زیرساخت‌های فیزیکی که عملیات‌ها را پشتیبانی می‌کنند، می‌شود.

سیستم فرماندهی و کنترل کنونی در فرماندهی اروپای آمریکا محصول خوش‌بینی پس از جنگ سرد است، زیرا پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، بسیاری از قابلیت‌های جنگی در مقیاس بزرگ خود را از دست داد و تمرکز خود را به همکاری‌های امنیتی و برنامه‌های مشارکت نظامی معطوف کرد. از آن زمان، تجاوز روسیه بازگشته است و تهدیدها به‌طور زیادی به هم مرتبط شده‌اند و در نتیجه محیطی غیرقابل پیش‌بینی و پویا ایجاد می‌شود.

سیستم فرماندهی و کنترل ارتش آمریکا باید با این تقاضاهای در حال تغییر تکامل یابد، در غیر این صورت با خطر عقب افتادن مواجه خواهد شد.

نیروهای مسلح مسئول نگهداری، آموزش و تجهیز نیروها در درگیری هستند، اما کنترل بیشتری بر توسعه قابلیت‌ها و منابع نظامی دارند و فرماندهی رزمی را بر نحوه طراحی یا تنظیم راه‌حل‌های فرماندهی و کنترل بر اساس نیازهای عملیاتی

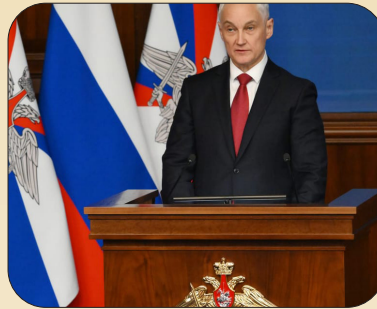
وار آن راکس پیتر آندر سیساک/برایان کوینا

فرماندهی اروپای آمریکا به رهبری رئیس ستاد ارتش باید نیازهای فرماندهان خود را در اولویت قرار دهد تا در درگیری‌های مدرن موفق شود. این امر پس از تهاجم روسیه به اوکراین مشهود است، جایی که آمریکا ائتلافی را برای ارائه حمایت فوری از اوکراین تشکیل داد. با این حال، نیروی هوایی آمریکا برای تحقق وعده، یک محیط ارتباطی ترکیبی تلاش کرد که منجر به قطع ارتباط بین نیازهای فرمانده میدانی و راه‌حل‌های ارائه شده توسط نیروهای مسلح شد. برای رقابت با دشمنان مدرن و پیروزی در جنگ‌ها، فرماندهان رزمنده باید میدان نبرد را درک کنند و بتوانند سریع‌تر از دشمن در مناطق مختلف عمل کنند. برای رفع این نقص، دو تغییر لازم است: افزایش منابع در قالب افراد و پول برای بهبود و نوسازی سیستم‌های فرماندهی و کنترل و عاملیت بیشتر در توسعه قابلیت‌های جدید، از جمله توانایی گسترش یافته برای آزمایش با قابلیت‌های جدید در داخل است.

وزارت دفاع باید نیازهای فرماندهی رزمندگان را در اولویت قرار دهد یا در معرض خطر ارائه راه‌حل‌های دیر هنگام یا ناسازگار باشد که توانایی فرماندهی و کنترل نیروها

پولیتیکو / ورونیکا ملکوزوروا

روسیه برای جنگ با ناتو آماده می‌شود



با ناتو به دلیل تهدید ناشی از این ائتلاف آماده شود. این را تصمیماتی که در اجلاس سران اتحاد آتلانتیک شمالی در ماه جولای امسال اتخاذ شد، نشان می‌دهد. این موضوع در اسناد عقیدتی آمریکا و سایر کشورهای ناتو نیز منعکس شده است.

در همان زمان، پوتین آمریکا را به دلیل «ترساندن مردم با تهدید افسانه‌ای روسیه» سرزنش کرد در حالی که «مدرسانی» برای کمک به او کراپین فرستاده است. هیچ مدرکی مبنی بر اعزام مریبان متحدان او کراپین به این کشور وجود ندارد.

پوتین گفت: «به همین دلیل روسیه به خط قرمز نزدیک می‌شود که از طریق آن دیگر نمی‌تواند عقب‌نشینی کند و شروع به پاسخ می‌کند.»

او ناتو را مقصر تنش با غرب می‌داند. کشورهای ناتو هزینه‌های نظامی و حضور خود را در نزدیکی مرزهای روسیه افزایش می‌دهند. پوتین گفت: «تعداد نظامیان آمریکایی در اروپا از ۱۰۰ هزار نفر فراتر رفته است.»

<https://B2n.ir/y05412>

دست گرفته است و قصد دارد تا سال آینده مناطق لوهانسک، زاپروژیا، خرسون و دونتسک اوکراین را به طور کامل فتح کند. وی مدعی شد که نیروهای اوکراینی خسته شده‌اند و ارتش روسیه به سرعت در تمام جبهه‌ها پیشروی کرده است. وی افزود که روسیه در سال جاری موفق به جذب بیش از ۴۲۷ هزار سرباز یا به طور متوسط ۱ هزار و ۲۰۰ سرباز در روز شده است. وی همچنین هشدار داد که روسیه باید برای مبارزه

آندری بلوسف، وزیر دفاع روسیه، روز دوشنبه در دیدار مشترک با ولادیمیر پوتین، رئیس‌جمهور روسیه به وزارت دفاع گفت: «روسیه باید برای جنگ با ناتو و همچنین تکمیل جنگ خود علیه اوکراین آماده شود.»

بلوسف گفت: «وزارت دفاع روسیه باید برای هرگونه تحولی از جمله درگیری نظامی احتمالی با ناتو در اروپا در دهه آینده آماده باشد.»

اظهارات روسیه در حالی مطرح می‌شود که دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور منتخب آمریکا، خواستار پایان سریع درگیری‌ها شد و روز دوشنبه گفت: «ما در تلاش هستیم تا جنگ را متوقف کنیم، آن جنگ وحشتناکی که در روسیه و اوکراین در جریان است. ما کمی پیشرفت خواهیم کرد، اما دشوار به نظر می‌رسد، این یک اتفاق ناپسند و نامطلوب است.»

ترامپ افزود که ولودیمیر زلنسکی، رئیس‌جمهور اوکراین «باید آماده توافق باشد.»

اما مسکو هیچ نشانه‌ای از دست کشیدن از مبارزه‌ای که بیش از دو سال پیش آغاز کرده بودند نشان نمی‌دهد. بلوسف گفت که روسیه ابتکار عمل در این جنگ را به

پولیتیکو / لارا کالی

مأموریت فرانسه از طرف ناتو در بالتیک



در اوایل ماه دسامبر، یک کشتی نیروی دریایی روسیه یک چراغ هشدار به سمت یک هلیکوپتر نظامی آلمانی بر فراز بالتیک تاباند.

در طول این پرواز تقریباً ۱۱ ساعته، حدود ۳۰ دقیقه در حریم هوایی بین‌المللی سپری شد که توسط کنترل ترافیک هوایی روسیه نظارت می‌شود. اعضای خدمه گفتند که هدف این نیست که «به شیوه‌ای پلکانی» رفتار کنند. ناتو حداکثر فاصله‌ای را تعریف کرده است که می‌تواند هواپیماهای متحدین را از سواحل و کشتی‌های روسیه جدا کند.

تعاملات بین متحدان ناتو و مسکو با دقت طراحی شده است. یکی از چالش‌های اصلی این است که برای جلوگیری از یک حادثه دیپلماتیک یا بدتر از آن، از آنچه طرف مقابل انجام می‌دهد، سوءتعبیر نشود.

در روز مأموریت فرانسه، روس‌ها منطقه تمرین شلیک را اعلام کردند که باید از آن در اطراف کالینینگراد اجتناب شود. یک افسر ارشد نظامی فرانسوی گفت که این یک رویه معمولی است که برای دشوارتر کردن گشت‌های دریایی و «به هم ریختن ناتو» طراحی شده است.

<https://B2n.ir/k47892>

تعاملات بین ناتو و روسیه تهاجمی فزاینده بود. در هفته‌های اخیر، یک هواپیمای روسی حریم هوایی استونی را نقض کرد، در حالی که دو جنگنده هلندی «لاکهید مارتین اف-۳۵ لایتنینگ ۲» سه هواپیمای روسی را بر فراز بالتیک رهگیری کردند. به گفته ناتو، سال گذشته، نیروهای هوایی ناتو در سراسر اروپا بیش از ۳۰۰ بار برای رهگیری هواپیماهای نظامی روسیه که به حریم هوایی این اتحاد نزدیک می‌شدند، تلاش کردند.

بر فراز دریای بالتیک، حدود چهار ساعت پس از درخواستن از پایگاه هوایی فرودگاه لریان برناین جنوبی، خدمه هواپیمای فرانسوی «برگه آتلانتیک» آنچه را که به دنبال آن بودند، در آب‌هایی به رنگ آبی کم‌رنگ یافتند: «یک کشتی جنگی روسی.»

در داخل هواپیمای باریک و ۳۱ متری، یکی از اپراتورها که چندین صفحه نمایش رانماشامی کرد، قاطعانه گفت: «این کشتی از ناتو نیست.»

این کشتی در واقع یک کشتی نظامی روسی و یک ناوچه «فریگیت کلاس ناستراشمی» بود که از دریای مدیترانه باز می‌گشت. افسران ارتش فرانسه در پرواز روز ۱۴ نوامبر منتظر آن بودند، زیرا متحدان ناتو که یک روز قبل در منطقه گشت زنی می‌کردند، هشدار داده بودند که آن کشتی در راه است.

این ناو تنها کشتی روسی نبود که توسط هواپیمای فرانسوی مشاهده شد. در حال پرواز در زیر ابرهای سنگین، خدمه همچنین یک کشتی باری غیرنظامی را دیدند که در فهرست ناتو قرار دارد و به گفته آن‌ها احتمالاً حامل سلاح است.

برخورد های دریای بالتیک بخشی از مجموعه‌ای از

جزوالم پست / آویرام بلیش

جمهوری اسلامی غیبتش در سوریه را چگونه توجیه می‌کند؟



روز هفتم اکتبر، رهبر حماس، یحیی سنوار، برخلاف درخواست تهران برای به تأخیر انداختن آغاز حمله‌ای بزرگ، طوفان الاقصی را به عنوان اقدامی فلسطینی آغاز کرد و ایران مجبور شد بین دفاع از فلسطین و جلوگیری از تشدید تنش تعادل برقرار کند، اما واکنش جدی اسرائیل و پیامدهای سنگین آن برای حماس و حزب الله، جمهوری اسلامی را وادار به بازنگری اساسی کرد.

به این ترتیب جمهوری اسلامی ایران حالا به چند سال زمان نیاز دارد تا علاوه بر بازسازی قوای نظامی خود، برداشته‌ها درباره قدرت خود را هم که به شدت زیر سوال رفته است، بازسازی کند و از شکست، تصویر پیروزی بسازد.

پس از ضربه سختی که اسرائیل به نیروی نیابتی اصلی تهران در منطقه یعنی حزب الله لبنان وارد کرد، حالا نظام اسد هم در عرض ۱۰ روز سقوط کرد. در واقع، جمهوری اسلامی ایران همان طور که روزنامه نیویورک تایمز توصیف کرد، در حاشیه ایستاد و متفاوت میان بیانه‌های تهران و دستورات واقعی، مبارزه نکردن، عقب‌نشینی شبه‌نظامیان و آغاز گفت‌وگو با شورشیان برای تضمین خروج ایمن نیروهای ایرانی و حفاظت از مکان‌های مذهبی شیعه در ازای مداخله نکردن تهران را شاهد بودیم. تمام این عوامل نظام جمهوری اسلامی ایران را به این نتیجه رساند که یک روایت جدید لازم است تا توضیح دهد چرا تهران از نظامی که طبق گزارش‌های مختلف، در طول یک دهه اخیر بیش از ۵۰ میلیارد دلار روی آن سرمایه‌گذاری کرده بودند، دفاع نکرد. مخاطبان این روایت جدید کشورهای محور مقاومت، سایر کشورهای مسلمان، قدرت‌های ژئوپلیتیکی و سایر کشورهای جهان از جمله اسرائیل هستند.

در عین حال، برای [آیت‌الله] خامنه‌ای، رهبر ایران، مخاطبان داخلی هم اهمیت دارند؛ زیرا او باید به نسل چهارم انقلاب (جوانان رادیکالی که می‌خواستند به سوریه بروند تا از نظام اسد حمایت و از مکان‌های مقدس شیعی دفاع کنند) توضیح دهد که چرا اطلاعاتی که درباره استقرار نیروهای سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در سوریه ظرف ۲۴ ساعت پس از آغاز بحران، چیزی جز ادعای دروغ نبود.

ماشین تبلیغاتی جمهوری اسلامی ایران به سرعت در حال تدوین روایتی است که تصمیم عاقلانه نظام برای مداخله نکردن در سوریه را توجیه کند. در این راستا، گام اول این است که نظام اسد را مقصر جلوه دهد؛ با این استدلال که «طی نیم قرن گذشته حتی یک گلوله به سمت اسرائیل شلیک نکرده است». گام دوم این است که ادعا کند «چرخش اسد به سمت

اسد، در حال کار روی پروژه‌ای مبتنی بر لفاظی‌های جدید است تا مدعی شود شورشیان سوریه نیز می‌توانند نیروهای نیابتی جدید باشند. اکنون ایران به جای «تروپست» خواندن شورشیان سوریه، آن‌ها را مقاومت‌کنندگان یا «مقاومت اسلامی» می‌خواند. به احتمال زیاد این تغییر دوهدف اصلی دارد؛ حفظ نفوذ منطقه‌ای و تداوم انتقال تسلیحات به حزب الله؛ آنچه تحلیل‌گران معتقدند «غیرممکن نیست».

ایرانی‌ها در حالی که مسئولیت خود را در قبال آسیب‌های وارده به مردم سوریه کم‌اهمیت جلوه می‌دهند و البته به افکار عمومی هم دروغ می‌گویند، به دنبال ایجاد کانالی برای گفت‌وگو با هیئت تحریر شام هستند و برای این هدف، به تجربه خود با طالبان و «همزیستی» بین خود و آن‌ها استناد می‌کنند.

بازتعریف روابط با ترکیه

جمهوری اسلامی ایران برای نجات محور مقاومت و حفظ توانایی مسلح کردن حزب الله از طریق شورشیان جدید حاکم بر سوریه، در تلاش است از مقابله یا متهم کردن اردوغان اجتناب کند. با این حال، هیئت تحریر الشام در سایه حمایت‌های اردوغان به اندازه کافی قوی شده است که به پول یا مهمات تهران نیازی نداشته باشد.

در چنین شرایطی، کنترل اردوغان بر شورشیان موید نقش حیاتی ترکیه در مدیریت تهدیدهای متوجه اسرائیل از مرز سوریه و اهمیت روابط این رژیم و ترکیه است. از این رو، اکنون اسرائیل هم باید سیاستی متفاوت در قبال ترکیه اتخاذ کند که منافع این کشور و رهبر آن را نیز در نظر بگیرد.

<https://B2n.ir/u85168>

غرب و دریافت مشوق‌های اقتصادی از امارات به شرط فاصله گرفتن از محور مقاومت، در نهایت به ایران و محور مقاومت آسیب رساند».

گام بعدی ماشین تبلیغاتی ایران هم این است که اسد را کسی معرفی کند که به توصیه‌های نظام جمهوری اسلامی در موضوع‌های مختلف مانند توجه به دموکراسی، اعلام آمادگی ایران برای حمایت از دولت او به دلیل وضعیت اقتصادی دشوار، لزوم برطرف کردن ضعف‌های ارتش و زیرساخت‌های دولتی سوریه و توجه به رنج مردم این کشور پس از پنج دهه دیکتاتوری، توجه نکرده است.

با این حال، باید تأکید کرد که ایران به خوبی می‌داند که درماندگی‌اش در وضعیت فعلی برای همه آشکار شده است. پس از آنکه افسران ارشد سپاه پاسداران در سوریه در حملاتی هدفمند که به اسرائیل نسبت داده می‌شود کشته شدند، حزب الله نتوانست نیروهای کمکی بفرستد، اسرائیل مانع رسیدن هواپیماهای ایرانی به سوریه شد و حملات آمریکایی‌ها به شبه‌نظامیان عراقی نیز ادامه داشت، ایران از نظر نظامی اصولاً در شرایطی نبود که بتواند به اسد کمک کند.

لفظی‌های جدید

در غرب آسیا، جایی که افکار عمومی، روایات و تبلیغات بر تحولات سیاسی و اجتماعی به شدت تأثیر می‌گذارند، اینکه یک کشور یا گروه چگونه خود را به دیگران نشان می‌دهد و از قدرت یا ضعفش چه تصویری ایجاد کند، می‌تواند به اندازه اجرای عملیات نظامی یا دیپلماسی واقعی اهمیت داشته باشد. بنابراین، جمهوری اسلامی ایران حالا پس از سقوط دولت



دمشق پس از آنکه به دلیل تحولات اخیر، بسته شده بود، به زودی کار خود را از سر خواهد گرفت.

• وزارت خارجه آمریکا بار دیگر از اتباع این کشور خواست که خاک سوریه را ترک کنند. سفارت آمریکا در سوریه طی بیانیه‌ای گفت: «با ادامه درگیری‌های مسلحانه و تروریسم در سراسر سوریه، وضعیت امنیتی در این کشور بی‌ثبات و غیرقابل پیش‌بینی است». شبکه «الجزیره» به نقل از این بیانیه گزارش داد: «شهروندان آمریکایی باید هرچه سریعتر سوریه را ترک کنند».

• آویگدور لیبرمن، رئیس حزب «اسرائیل خانه ما» و وزیر جنگ پیشین این رژیم گفت: مشغول بودن کابینه به برکناری مشاور قضایی آن هم در زمانی که سربازان ما در چند جبهه می‌جنگند و اسرائیلی‌ها با گرانی هزینه‌ها مواجه هستند، صرفاً مسأله‌ای شرم‌آور است. وی افزود: «به جای آنکه اتحاد ایجاد کنند و به شهروندان اهمیت دهند، فقط ویرانی و تفرقه را گسترش می‌دهند».

• «کایا کالاس»، مسئول سیاست خارجی اتحادیه اروپا امروز گفت که اجماع بین قدرت‌های منطقه‌ای و بین‌المللی در مورد حکومت جدید سوریه مهم است. کالاس در گفت‌وگو با خبرنگاران پیش از ورود به نشست اتحادیه اروپا اظهار داشت: «ما یک نماینده دیپلماتیک به دمشق اعزام می‌کنیم تا با حکومت جدید سوریه ارتباط برقرار کند». شبکه «الجزیره» به نقل از وی گزارش داد: «در جلسه امروز [شورای وزیران اتحادیه اروپا] نحوه تعامل خود با حکومت جدید دمشق را مشخص خواهیم کرد».

• میخائیل کاواشویلی، رئیس‌جمهور منتخب گرجستان، بر لزوم احترام متقابل اتحادیه اروپا جهت پیوستن این کشور به این نهاد تأکید کرد. به گزارش آناتولی، کاواشویلی ضمن تأکید بر تمایل این کشور جهت پیوستن به اتحادیه اروپا عنوان کرد چنین اقدامی باید با حفظ ارزش‌های ملی گرجستان محقق شود. وی در رابطه با عضویت کشورش در اتحادیه اروپا اینطور بیان کرد: «ما یک برنامه روشن و بلندمدت در مورد اتحادیه اروپا ترسیم کرده‌ایم و به‌طور مداوم از این برنامه حمایت می‌کنیم و مردم را در جریان امور قرار می‌دهیم».

• بن کاردین، سناتور آمریکایی و رئیس سابق کمیته روابط خارجی سنا، گفت که دولت آمریکا در صورتی که دولت جدید سوریه برای بهبود وضعیت حقوق بشر و سایر موارد نقض شده توسط بشار اسد پیشرفت کند، باید از اختیارات خود برای لغو تحریم‌ها علیه این کشور عربی استفاده کند.

• استیو بنن، از نزدیکان ترامپ و استراتژیست معروف محافظه‌کار، ترامپ و طرفداران وی را تشویق به حضور در انتخابات ۲۰۲۸ و رئیس‌جمهور شدن او برای سومین بار کرد؛ مسأله‌ای که مخالف قانون اساسی آمریکاست و با مدل دموکراسی آمریکایی بعد از جنگ جهانی دوم کاملاً در تضاد است.

• ترامپ در حاشیه خبر استعفای وزیر دارایی کانادا باز هم با لحن تحقیرآمیز، جاستین ترودو را فرماندار ایالت کانادا عنوان کرد!

• وزارت امور خارجه فرانسه با انتشار بیانیه‌ای اعلام کرد روز سه‌شنبه ۲۷ آذر به منظور ارزیابی وضعیت سیاسی و امنیتی سوریه، یک هیئت دیپلماتیک به این کشور اعزام خواهد کرد. بر اساس این بیانیه، تیم دیپلمات‌های فرانسوی برای نشان دادن «آمادگی فرانسه به منظور حمایت از مردم سوریه» سفر می‌کنند و نتایج این سفر را به اطلاع وزیر امور خارجه خواهند رساند. غالب کشورهای اروپایی از سقوط حکومت بشار استقبال کرده‌اند، اما هنوز سرگرم بررسی برقراری ارتباطات رسمی با شورشیان از جمله «هیئت تحریرالشام» هستند. این گروه در فهرست سازمان تروریستی اتحادیه اروپا قرار دارد.

• گیدئون ساعر، وزیر امور خارجه اسرائیل، اعلام کرد: دولت یهود سفارت خود در دوبلین، پایتخت ایرلند، را به دلیل «سیاست‌های شدیداً ضد اسرائیلی دولت ایرلند» تعطیل خواهد کرد. گیدئون ساعر روز یکشنبه ۲۵ آذر، به رسمیت شناختن کشور فلسطینی را از جمله اقداماتی خواند که به تصمیم‌گیری اخیر اسرائیل برای تعطیل کردن سفارت خود در ایرلند انجامیده است. بر پایه بیانیه وزیر امور خارجه دولت یهود، در پی تصمیم ایرلند در به رسمیت شناختن کشور فلسطینی در بهار سال جاری، اسرائیل سفیر خود در آن کشور را فراخوانده بود.

• وزارت امور خارجه روسیه در بیانیه‌ای اعلام کرد که برخی از دیپلمات‌های این کشور، بلاروس و کره شمالی را از سوریه خارج کرده است. بر اساس این بیانیه، یک پرواز ویژه نیروی هوایی روسیه از پایگاه هوایی حمیمیم، تعدادی از کارکنان دیپلماتیک روس در دمشق و همچنین دیپلمات‌های بلاروس و کره شمالی را از سوریه تخلیه کرد. در بیانیه وزارت امور خارجه روسیه آمده است که کار سفارت این کشور در دمشق ادامه دارد.

• سخنگوی وزارت امور خارجه قطر اعلام کرد: در پی دیدار هیئت دیپلماتیک اعزامی دوحه با حاکمان جدید سوریه، سفارت این کشور در دمشق پس از ۱۳ سال، روز سه‌شنبه ۲۷ آذر بازگشایی می‌شود. به گزارش روبرتز، ماجد الانصاری در بیانیه‌ای که خبرگزاری دولتی قطر منتشر کرد، خبر داده است این هیئت اعزامی برای تکمیل اقدامات لازم جهت بازگشایی سفارت قطر در دمشق وارد پایتخت سوریه شده است. بر اساس این بیانیه، هیئت دیپلماتیک قطر که هم‌اکنون در دمشق به سر می‌برد، در دیدار با دولت انتقالی سوریه متعهد شده ضمن حمایت از مردم این کشور، روند ارسال کمک‌های بشردوستانه به آن‌ها را تسهیل کند.

• روزنامه لبنانی «الاکبار» گزارش داده که «آمادگی بی‌سابقه‌ای» برای معامله گروهان‌ها در غزه از سوی بنیامین نتانیا‌هو، نخست‌وزیر اسرائیل و گروه حماس وجود دارد. به نوشته نشریه تایمز اسرائیل، گزارش این روزنامه طرفدار حزب الله آخرین موردی است که نشان می‌دهد احتمال دارد طرفین به توافقی نزدیک‌تر شوند که هدف آن آزادی گروهان‌های رها شده در ۱۷ اکتبر ۲۰۲۳ یا قبل از آن و توقف بیش از یک سال درگیری است. تایمز نوشته که یک گزارش اسرائیلی روز یکشنبه به نقل از یک مقام این رژیم گفت که توافقنامه ممکن است تا ۲۵ دسامبر امضا شود.

• سفیر ایران در سوریه اعلام کرد که سفارت جمهوری اسلامی در

ايندپندنت

گمانه‌زنی‌ها درباره علت کشته شدن رئیسی



ادامه پرسش‌ها درباره علت سقوط و انفجار هلی کوپتر حامل ابراهیم رئیسی، رئیس‌جمهور کشته‌شده ایران، نشان می‌دهد که علاوه بر باقی ماندن ابهامات فراوان درباره این پرونده برای بسیاری از مردم و چهره‌های سیاسی، در اذهان تعدادی از مقام‌های جمهوری اسلامی نیز سوالات پرشماری بی‌پاسخ مانده است. هم‌زمانی تقریبی این حادثه با ترور ده‌ها تن از فرماندهان حماس و حزب الله به دست نیروهای اسرائیلی، در کنار سابقه موساد در ترور برخی چهره‌های کلیدی صنعت هسته‌ای و موشکی جمهوری اسلامی این گمانه‌زنی را تقویت کرد که در ماجرای کشته شدن ابراهیم رئیسی نیز عوامل موساد و نیروهای دولت بنیامین نتانیاهو نقش کلیدی ایفا کردند. اظهار نظرهای گاه‌وبی‌گاه شماری از نمایندگان مجلس، مقام‌های پیشین دستگاه‌های امنیتی و نزدیکان احمد علم‌الهدی، امام جمعه مشهد و پدر همسر ابراهیم رئیسی، هم بر احتمال صحت این حدس و گمان‌ها افزود.

در تازه‌ترین و البته صریح‌ترین اظهار نظر درباره دست داشتن اسرائیل در مرگ رئیسی، کامران غضنفری، نماینده تهران در مجلس شورای اسلامی، در همایشی با عنوان «فریاد ایران ۲»، ضمن تمسخر گزارش‌های ستاد نیروهای مسلح ایران درباره علت حادثه، مدعی شد که اسرائیل و آمریکا با همکاری الهام علی‌اف، رئیس‌جمهور آذربایجان، ابراهیم رئیسی را ترور کردند. پیش از این نیز برخی مقام‌های جمهوری اسلامی به صورت غیرمستقیم، روابط نزدیک جمهوری آذربایجان با اسرائیل را عاملی مهم در اجرایی شدن نقشه ترور رئیس‌جمهور ایران دانسته بودند، اما حالا کامران غضنفری با اطمینان می‌گوید: «رئیس‌جمهور کشورمان را رژیم صهیونیستی و آمریکا با همکاری رژیم علی‌اف به شهادت رساندند، اما برخی آقایان مصلحت‌نمی‌بینند اعلام کنند و شهادت را به یک توده ابر نسبت می‌دهند. عجب ابر متراکم هوشمندی که از بین سه هلی کوپتر، فقط سراغ هلی کوپتر وسطی رئیس‌جمهور رفت!» او در ادامه تأکید کرد که مقام‌های ارشد نظام «نمی‌خواهند بگویند رژیم صهیونیستی و آمریکا عامل این کار بودند» و سپس افزود: «مصلحت‌نمی‌بینند و برای خودشان چرتکه می‌اندازند که نباید این را اعلام کرد. بعد بیانیه‌ای صادر می‌کنند که مرغ پخته هم از شنیدن استدلال‌های آن خنده‌اش می‌گیرد. این استدلال فقط برای گول زدن بچه مدرسه‌ای‌ها کارایی دارد.» برخی منتقدان رهبری و مدافعان فرضیه ترور رئیسی به دست موساد در داخل و خارج ایران بر این باورند که [آیت‌الله] خامنه‌ای و فرماندهان سپاه پاسداران به دلیل ناتوانی در اجرای عملیات

با این صحبت‌وزیر محترم اطلاعات که گفتند در مسئله ترور شهید اسماعیل هنیه، در جمهوری اسلامی نفوذ وجود نداشت، مخالفم. چون قانع نشده‌ام که محل دقیق اقامتگاه هنیه، طبقه محل اقامت او در آن اقامتگاه و زمان دقیق حضورش بدون نفوذ لو رفته باشد. ۳۰ شهریور نیز حمیدرضا مقصودی، عضو سپاه پاسداران و معاون سازمان برنامه و بودجه در دولت سیزدهم، با انتشار مطلبی در شبکه ایکس، از مسئولان ستاد کل نیروهای مسلح ایران پرسید: «آیا امکان ندارد آید همراه خلبان به یک نازجک سایبری متصل شده باشد یا تلفن همراه یکی از مدیران؛ که متأسفانه عموماً هم آیفون اند؟»

محمد منان رئیسی، نماینده قم در مجلس، هم در تاریخ ۱۳ مرداد، مرگ رئیسی را «کاملاً مشکوک» دانست. او در یادداشتی درباره سقوط هلی کوپتر ابراهیم رئیسی نوشت که به فاصله چند ماه بعد از مرگ «کاملاً مشکوک» او، اسماعیل هنیه را ترور کردند. در همین حال، طی روزهای پس از کشته شدن ابراهیم رئیسی، در برخی رسانه‌ها و حساب‌های توئیتری چهره‌های سیاسی و امنیتی نظام ایران درباره قهر احمد علم‌الهدی با [آیت‌الله] خامنه‌ای به علت دلخوری بابت اعلام نشدن علت واقعی مرگ دامادش هم اخباری منتشر شد.

در چنین وضعیتی به نظر می‌رسد احتمال اینکه مقام‌های جمهوری اسلامی طی هفته‌ها و ماه‌های آینده، اخبار و انتقادهای افشاگری‌های جدیدی درباره علت واقعی مرگ ابراهیم رئیسی منتشر کنند، بیش از پیش افزایش یافته است.

انتقام جویانه برابر و معادل ترور ابراهیم رئیسی، از اعلام دلیل اصلی حادثه مرگ رئیس‌جمهور پیشین خودداری کردند و آن را به عوامل طبیعی نسبت دادند. با توجه به اینکه از وعده‌های عملی نشده رهبر ایران برای پاسخ انتقام جویانه به حمله گسترده ارتش اسرائیل به تاسیسات پدافندی، موشکی و هسته‌ای جمهوری اسلامی دو ماه می‌گذرد و همچنین ناتوانی کامل سپاه قدس و نظام برای حفظ حکومت بشار اسد در سوریه، اکنون از نظر مدافعان فرضیه ترور رئیسی به دست اسرائیل، دلیل رهبران ایران برای پنهان کردن علت واقعی ترور رئیس‌جمهور شهید موجه‌تر شده است. هفته گذشته محمد حسینی، معاون پارلمانی دولت رئیسی، پس از فروپاشی دولت بشار اسد و با اشاره به کشته شدن اسماعیل هنیه، یحیی سنولر، حسن نصرالله، هاشم صافی‌الدین و شماری زیادی از فرماندهان حزب الله و حماس در حملات اسرائیل، در شبکه اجتماعی ایکس نوشت همه این حوادث «از سقوط بالگرد رئیس‌جمهور شهید در ۳۰ اردیبهشت آغاز شد!»

از دیگر اظهار نظرهای مقام‌های رسمی نظام ایران می‌توان به سخنان احمد بخشایش اردستانی، عضو کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس شورای اسلامی، روز اول مهر هم‌شماره کرد که گفته بود نیروهای امنیتی جمهوری اسلامی «قطعاً» در خرید پیجرهای حزب الله نقش داشتند و سپس افزود: «ابراهیم رئیسی نیز از پیجری استفاده می‌کرد که اگر چه شاید نوع آن با پیجر نیروهای حزب الله تفاوت داشت، اما یکی از سناریوهای محتمل درباره حادثه‌ای که برای رئیسی پیش آمد، منفجر شدن پیجر اوست.» عضو کمیسیون امنیت ملی مجلس ایران گفت: «شخصاً



رصد و ترجمه اندیشه‌های آمریکایی مختص مطالعه نخبگان



سوریان
مرکز مطالعات

Sourianc.com